بزرگداشت

دکتر شریعتی

در

بیروت

" من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر وما بدلوا تبدیلا "

تقدیم به :

مجاهد بزرگوار دیشمند گرانمایه

استاد محمدتقی شریعتی

بنام خدا

علی شریعتی درتاریخ ۲۹خرداد ۵۶درلندن به جمع شهیدان پیوست و شهادتش نیز همچون زندگیش برای دشمن مشکلاتی آفرید .

رژیم ایران که تادیروز کلیه امکانات مادی و معنوی او رامحدودکرده و زیر نظرگرفته بود تادریلیورش وسیع و همه جانبه علی رامنزوی کرده ودرزیر فشارهای روحی نابود سازد . پس ازشهادتش ، دشمن به ستایش او پرداخت واورا اندیشمند اسلامی قرن نامیدو شفاها نیز برای خانواده اش تسلیت فرستادوعوامفریبانه کوشیدتااین فرزند راستین شیعه راهمچون مهره های دستگاه حکومتی خودآرایش داده و باتجلیل از شخصیت اوکفاره گناهان نابخشودنی خویش را بپردازد و اورا باصطلاح درافکارعمومی مردم مسلمان لجن مال کند بهمین جهت هیئتی مرکب از چند افسرامنیتی ارتش را باتفاق تعدادزیادی از مزدوران امنیتی به لندن فرستاده تاجسد او را تحویل گرفته و زیرپوشش " حمایت " واحتمالا "تجلیل " از مقام او بین این مجاهد راستین و مسلمان و انگیزه های مبارزاتی اش از یکسو بین مردم مستضعف وخواستهای عادلانه شان از سوی دیگرپرده سیاهی بکشد ولی هوشیاری خانواده مجاهد شهید دکترعلی شریعتی و تلاشهای بی شائبه نیروهای مسلمان سرانجام توانست این توطئه را بی اثرساخته ونقشه دشمن راخنثی سازد . پس ازتجلیل بی نظیری که ازجنازه اش درلندن بعمل آمد اورادرکنارمرقدمطهرزینب(ع) به رسم امانت بخاک سپردند . یاد ش گرامی بادتلاشهای مرموزانه و کارشکنی هائی راکه رژیم ایران درجریان تحویل گرفتن جسد از مرکزپزشکی لندن و درجریان بزرگداشت او بعمل آورد برکسی پوشیده نیست ولی وقتی سرویس اطلاعاتی "ساواک" درپیوست از جریان برگزاری چهلمین روز شهادت دکترعلی شریعتی مطلع گردیدو بویژه پس

از آنکه دعوت نامه ۱۸ گروه انقلابی منطقه و جهان را برای برگزاری چنین مراسمی درسالن اجتماعات یونسکو درپیروت مشاهده نمودتمام کوشش خودرا بکارگرفت تااز برگزاری مراسم چهلمین روز بزرگداشت این شخصیت متفکرجلوگیری بعمل آورد . بهمین جهت لانه جاسوسی ایران درپیروت به فرماندهی منصورقدر این عنصر امنیتی معروف که مدتهااست درمنطقه بکارجاسوسی برای سازمانهای بین المللی امپریالیستی و صهیونیسم مشغول است وخوش خدمتی های او به حکومت اردن درجریان سپتامبر سیاه برهمگان روشن است شروع به فعالیت نمودواز طریق آیادی و همکاران خود درلبنان مانندکامیل شمعون و دیگران ، وزیرفرهنگ نیم بند لبنان را تحت فشارقرارداده تااز اجرای این مراسم درسالن اجتماعات یونسکوجلوگیری کندو این درست درزمانی بودکه کلیه مطبوعات لبنان و بیانیه هامحل و تاریخ برگزاری این مراسم رامنتشرساخته و تنها یك روز به آن مانده بود از سوی دیگراز طریق عوامل روحانی نما و عناصرپراکنده دیگرمجلس شیعه و حرکت المحرومین راتحت فشارقرار دادتاحتی الامکان مانع شرکت تمامی مردم دراین جلسه گردد . آیادی سفارت هم بیکارننشسته و به تشویش اذهان عمومی پرداخته وسئوالاتی از این قبیل راکه :

" این شخص که شما بخاطراواین محفل را برگزارمیکنید کیست ؟ واز کجا آمده که ما (سفارت) اورانمی شناسیم و ..... " دراذهان پراکنده ساخته ولی سرانجام علیرغم همه کارشکنی ها وسنگ اندازیها ، این مراسم باکوشش همه جانبه سازمانهای انقلابی برگزارکننده و زحمات خستگی ناپذیر امام موسی صدر رهبرشیعیان لبنان درسالن اجتماعات "عامیه "بطورنسبارجالب و شورانگیزی برگزارگردید وتوانست توجه مردم مسلمان لبنان رابه شناخت بیشتراین شخصیت گرانقدر جلب نماید .

مجمع بزرگداشت شریعتی

سازمانهای برگزارکننده دردعوت نامه ای که برای مطبوعات لبنان فرستاده اند شریعتی راچنین معرفی میکنند :

* دکترعلی شریعتی ٤٣سال پیش درمزینان چشم بجهان گشودودرخانواده - دانش و تقوی ودرجمع کتابها وسخنان سازنده درجهت خدمت به مستضعفین پرورش یافت.
* ازسن ١٨ سالگی همراه باآموزش بکارتدریس پرداخت. درسال ١٩٥٧ از دانشگاه تهران و درسال ١٩٦٤ به عنوان استادجامعه شناس ازدانشگاه سوربن فرانسه فارغ التحصیل گردید .
* شریعتی نهضت مبارزات فرهنگی اسلامی را رهبری کردو پس از آنکه در عرضه اندیشه مترقی اسلام به عنوان راه حل کلیه مشکلات عصرما ، موفقیتهای چشمگیری حاصل نمود همواره پیشگام دانشجویان مسلمان بود .
* بیش از ١٥٠ جلد کتاب تالیف کرده است که بیشترآنراکنفرانسهای اوبرای دانشجویان تشکیل میدهد .
* شریعتی از هواداران دکترمحمد مصدق و از اعضاءبرجسته جبهه ملی ونیز از طرفداران مرجع مجاهد حضرت آیتالله العظمی خمینی بود .
* شریعتی بنفع جنبشهای ملی ومتعهد جهانی بویژه الجزائر، مقاومت فلسطین و جنبشهای آزادیبخش اریتره ، فیلیپین و زامبیا فعالیت داشت .
* چندین بارباز داشت گردید . بطور مرموزی درلندن درگذشت و درکنار مزارحضرت زینب (ع) درحومه دمشق به خاک سپرده شد . شریعتی ازخود همسروچهارفرزند بجای گذاشت.

کمیته بزرگداشت

متن سخنانی که درمجلس یادبود چهلم شهید مبارز دکترعلی شریعتی درتالار دبیرستان "عاملیة" بیروت ایرادگردیده است . این محفل از طرف سازمانهای زیر برگزارگردید :

* حرکت المحرومین لبنان .
* جنبش ملی آزادیبخش .(فتح)
* گروههای مقاومت لبنان .(امل)
* جبهه خلق برای آزادی اریتره .
* جبهه آزادیبخش اریتره .
* نیروهای العاصفه (بخش نظامی فتح)
* نهضت آزادی ایران .
* روحانیون مبارز ایرانی .
* اتحادیه کل دانشجویان مسلمان دراروپا (بخش فارسی زبان)
* اتحادیه دانشجویان مسلمان درآمریکاو کانادا (بخش فارسی زبان)
* مرکز برنامه ریزی فلسطین
* مرکز مطالعات و تحقیقات فلسطین .
* اتحادیه کل کارگران فلسطین .
* اتحادیه آموزگاران فلسطین .
* جنبش ملی آزادیبخش زنگبار .
* جنبش ملی برای آزادی زیمبابوه .
* جنبش ملی برای آزادی جنوب فیلیپین .
* دوستان دکترعلی شریعتی .

درابتدای مجلس، کلیه حضارخاطر بزرگداشت شهید دکترعلی شریعتی یک دقیقه ایستاده فاتحه خواندند وسپس آیاتی چند از قرآن کریم توسط آقای شیخ حسن چون تلاوت گردید • آنگاه آقای شیخ محمدیعقوب یکی از سخنگویان برجسته چنین آغازسخن نمود :

بسم الله الرحمن الرحیم • الحمدالله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمدو علی آله وحجه الطیبین الطاهرین و علی جمیع الانبیاء المرسلین •

درعصر تباهی و فسادو درفضای مسمومی که کفر بردروازه ها لانه گزیده است علی شریعتی ، سخن را در استخدام عمل متعهدانه و درمسیروستاخیز انسانها ووارستگی بشر قرار دارد ، آنچنانکه انفجاری درجهان پرسکوت و مشعل فروزانی دردریای ظلمانی و تاریک پدید آورد • درروزگارهراس انگیزی که مادران کودکان خودرا با خرافات تغذیه میکنند و درمحیط دبستان ، توپاوگان چوب خشک معلم رابالای سرخودمی بینندو درجامعه باسنتهای ناشایست برخوردمی کنند وسیستمهای حکومتی به ابزارسرکوب توده ها بدل میگردد ، درچنین روزگاری علی شریعتی مجسمه امید بخشو فریادآزادیبخشو مشعل فروزان و مقدس بودکه به مصداق کلام خدا مردم را از اعماق تاریکیها به اوج نوروروشنائی رهنمون گردید • علی شریعتی در عصرعقب گردفکری و فقدان معنوی خود راه جهاد و جویبارورسالت و تعهدوزبان گویائی بودکه رشته های وجود شراز اصالت و تعهد تنیده شده بود • اوازسرچشمه لایزال آسمان ، نان بینوایان و از دشت بیکران محمد شعله امیدرابرمیگرفت • اواز شیوه علی ، عدالت و عزم و روشنگری و از عاشورای حسین منطق شهادت وقربانی شدن راآموخته بود • راستی که دراین روزگارچقدر به مردان بزرگ و پیامهای بزرگ نیازمندیم •پیامهای بزرگ آنگاه عظمت خودرا نشان میدهندکه بتوانند ارتعاشی درفضای آینده ایجادکرده و جمعیتهائی را به حرکت درآورند • پیامهای بزرگ

آنگاه نقش‌خودرا ایفاء می کنندکه بتوانند مرکز ثقل اندیشه انسانی راازحالت ـ رکودو انجماد به چشم اندازهای گسترده تاریخ بکشانند • پیامهای بزرگ آنگاه اهمیت مییابندکه بتوانند درباطن هرچیز نیروی اندیشه و تفکر بیافرینند • آری، معادله انقلاب درنظر علی شریعتی اینگونه بود : پیام شمشیروپیام سخن ، آنگونه سخنی که خودادامه انقلاب و انقلاب مستمرو پایان ناپذیر باشد • من کوشش‌کردم تاعلی شریعتی را از لابلای نوشته هایش‌و از طریق دوستان و شاگردانش‌شناسم گرچه افتخارملاقات اورانداشتم ولی همین اندازه مرابس‌که تشنه دیدارش‌هستم پس‌به امید دیداردربهشت برین ای شریعتی •

برادران مبارز! وقتی سخن باعمل درمیآمیزدو رنج وسختی ، قدرت بر فداکاری واز خودگذشتگی را درهم می شکند وآنگاه که عربده دژخیمان سینه های مجروح مارا آزارمیدهد و عصیان و قهرانقلابی باالهام از سیرانتهای مبارزاتی مادروجودمان شعله میکشد وآنگاه که بیداری زندگی درمادمیده میشودتابار ـ دیگردرخشش‌حیات را به مابازگرداند و در سرزمین ما خیرو آزادی و شرافت بیافرینند چهره ستمگران و زورگویان از افق محو میشود و حقیقت باهمه پاکیزگی ، متانت استحکام و تعهد شدر افق ظاهر میشود •

سخنرانی آقای صدر

بسم اله الرحمن الرحیم

"والحمد الله رب العالمین والصلاة والسلام علی خیرخلقه وخاتم رسله محمد وعلی انبیاءاله المرسلین وسلام الله علی آل بیته وحجة الظاهرین ومن اتبعهم باحسان الی یوم الدین ."

برادران دانشمند! برادرم احسان! خانم محترم مرحوم شریعتی!

چرا ما در اینجا به سوک می نشینیم ؟ چرا گرد هم جمع میشویم ؟ چرا مردان و زنان مبارز ، روحانیون و رهبران فکری در اینجا جمع آمده اند ؟ من هم اکنون آقای دکتر محمد فرحات استاد دانشکده حقوق و برادرم دکتر منیر شفیق و دیگر متفکرین متعهد را در برابرم می بینم ، چرا ما گرد هم جمع شده و همگی به سوک نشسته ایم؟ ما چه ارتباطی با دکتر شریعتی داریم ؟ و او چه ربطی به ما دارد ؟ در واقع انسان تشنه و بلند همت وقتی به چشم اندازهای اطراف خود میگرد احساس می کند که شرایط او زندگی و جامعه اش نمیتواند خواستها و روح تشنه اش را ارضاء کند از اینرو همواره به افقهای دوردست چشم میدوزد و همواره در صدد تغییر وضع موجود است ، چنین انسانی همانست که در حدیث شریف از او بدینصورت یاد شده که : "مبتلاترین مردم به آزمایشات انبیاء و پیامبران الهی هستند و سپس اولیاء و سپس نزدیکترین مردم به آنها " . این سخن بیانگر رنج کسانی است که میخواهند جامعه شان را عوض کنند و اوضاع متشنج و ناآرامی که در آن زندگی میکنند هرگز آنها را کفایت نمی کند . این افراد برحسب خواستها و اهدافشان از بهره وری جامعه شان رنج میبرند . در اینجا ما به افق لبنان ، منطقه و جهان مینگریم ولی امروزه چیزی قانع کننده نمی یابیم همچنانکه دیروز هم چیزی نمی یافتیم . در این زمینه مردم به چند گروه تقسیم میشوند . گروهی تسلیم وضع موجود شده و در آن هضم میگردند و خود را با آن هماهنگ می کنند ، با شرایط حاکم مجامله میکنند ، وقتی برای آن فلسفه بافی میکنند و به ادامه آن کمک میکنند ، ما از این گروه نیستیم

علاقه ای نیز به دیدار چنین افرادی نداریم • گروه دیگرکه ازنظرتجه بالاتراز این گروه است آنچه راکه درجامعه شان میگذرد نمی پذیرند ولی همواره از رویاروئی باآن میگریزند • مهاجرت می کنند و جامعه دیگری رابر میگزینند •به آمریکاو اروپا وآسیا میروندودرجستجوی پناهگاهی هستند • این گروه گرچه ازگروه اول برترند ولی ماشیوه آنهارانمی پذیریم وموضعگیریهای آنهارا امضاء نمی کنیم •اماگروه سوم که برتراز دوگروه گذشته اندد راین هنگام آقای عرفات وارد مجلس شدو مردم- چند دقیقه بطورممتد کف میزدند و این شعاررا تکرارمیکردند بطل الثورة و الثوار- سیدموسی و ابوعمار)

برادران و خواهران !

ما هرگز نپذیرفته و نمی پذیریم که ازگروهی باشیم که تسلیموضع موجود میشودو نه ازگروهی که از رویاروئی فرارمیکند •دلیلش همین هیجانی است که شما اکنون دارید که باوجودآنکه درسوك فقدان رهبرفکری بزرگی غرق دراندوه و ناراحتی هستیدولی ناگهان وقتی رهبر انقلاب فلسطین و سمبل شعله فروزان فلسطین برادرم ابوعمار وارد میشودمحفل یادبودبه جشنوارده شادی و سرور بدل میگردد •باین ترتیب شما بااین ابراز احساسات نمی پذیریدکه مرگ برشما غلبه کندو اندوه دردلهایتان جایگزین گردد • شما تسلیم شدن رانفی میکنیدو درجستجوی آنیدکه این اندوه را به شادی و این خسارت را به منفعت و این سکوت دردآلودرا به کف زدنهای شادمانه تبدیل سازید • بنابراین ماازگروهی که خودرا تسلیم وضع موجود میکنند و یاخودرا پنهان میسازدتابااوضاع روبرو نشودنیستیم • گروه سوم می بیندکه خانماش و کشوروو منطقه اشراورا قانع نمی کند از اینجهت درجستجوی تغییروضع و انقلاب بر- میآید • همواره ، مشتاق این دگرگونی و درحال تلاش به این منظوراست •نه تنها تسلیم وضع موجودنمی شودبلکه باآن برخوردکرده و به تغییرش می پردازدولی باین

منظورازسلاح دیگران استفاده میکند • به احزابی روی میآوردکه هیچگونه رابطه‌ای باسرزمین و کشورماندارند • مااین گروه رابرگروه اول و دوم ترجیح میدهیم زیرادرسیرانقلاب و دگرگونی جامعه گام برمیدارند منتهادرانتخاب راه باشتباه می افتد همچنانکه امام علی (ع) میفرماید ،

کسی که درراه رسیدن به حق دچاراشتباه شودباکسی که درجستجوی باطل بباطل برسدتفاوت دارد •مااز اینگروه هم نیستیم اگرچه به آن احترام میگذاریم وآنهارا جوانانی والاهمت میدانیم که درصددتغییروضع موجودند ولی دراستفاده از ابزارتغییردچاراشتباه گردیده اند • مادراین جامعه می بینیم که چشم اندازهای موجودرضایتبخش نیست • جامعه ما ، جهان عرب و موقعیت مانسبت به جهان سوم نمیتواندماراقانع سازدو باایمان ماسازگاری - ندارد و بانازل ترین مرتبه ایمان به خدای لایزال منافات دارد • ازآرمانها و ایمان مابه حق و عدالت نامتناهی است بنابراین هراندازه مصیبتها و مشکلات درداخل و خارج برماوارد شود ، نمیتوانیم این وضع رابپذیریم •مانمیتوانیم شاهدباشیم که جهان عرب دچاراین حالت باشد • برای من بسیارسنگین است که بگویم جهان عربوآنچه دراین فضادیده میشود بهیچوجه رضایتبخش نیست • ماوقتی می بینیمکه یك گروه تروریست برزندگی ماو زندگی منطقه ماحکومت میکند احساس ذلت وننگ میکنیم وقتی مشاهده میکنیم که یك تروریست برکرسی حکومت می نشیندو میخواهدترورش رابعنوان یك آرمان مقدس جلوه دهدو آرمان مقدس فلسطین را به یك مساله تروریستی بدل سازدو دردنیاکسانی رامییابدکه به سخنان او گوش میدهندو می پذیرند • ماوقتی محاسبه میکنیم و به جهان عرب میاندیشیم ، میبینیم که وزیرامورخارجه آمریکامیآیدو میرودو بااین وآن - دیدارمیکند ، مذاکره میکندو شکست میخورد ، دوباره به تلاشی افتدو

امتیازهای بیشتری مطالبه میکند احساس دردو رنج میکنیم • جهان عرب چه امتیازی بیشترازاین که امروزداده است میتواند بدهد ؟ باوجود این و علیرغم ابراز حسن نعمت در برابرجهان و برخوردمثبت اقتصادی، سیاسی و جنگی و دادن امتیازات نفتی بازاحساس میکنیم که دشمن خودخواه و متکبربرما برتری میجویدو بروهبران ما، مردان سیاسی و نمایندگان مافخرمیفروشد ، ما دردناکانه این مسأله رااحساس میکنیم و این وضع رابتمام نیرو ردمیکنیم • ماته درحال و نه درآینده هرگزچنین وضعی را قبول نخواهیم کرد ، چه آنکه بتوانیم این هدف را پیاده کنیم یانتوانیم •آنچه مهم است اینکه اولین گام رادرراه طولانی و طاقت فرسای تغییر، برداریم • فضای جهان عرب به رندمانکی نکند ، و باخواستها، آرمانها، فداکاریهاوتاریخ سازگاری ندارد • بهمین دلیل درصدد تغییراوضاع هستیم جو داخلی‌مان‌که مدتی طولانی باآن درگیربوده ایم باز رضایتبخش نیست • پس از سربریدن یکدیگرو کشت و کشتارها ، پس از جنگ‌کثیفی که درآن- پیروزی نصیب کسی نشدو بالاخره پس از جنگی که برمابدون سبب ونتیجه وموفقیت تحمیل گردید باز گروههای رادرگوشه وکنارمیبینیم که برای تسلیم‌شدن به وضع‌موجود یاادامه تشنج تلاش‌میکنند • گویا تجربه دردناک و رنج آورگذشته آنهارا کفایت نکرده است • مااحساس میکنیم که جوداخلی‌مان‌مارا راضی نمی‌کند ونمیتوانیم آن راپذیراباشیم • از سوی دیگراوضاع جهانی نیز بهمین‌نسبت — رضایتبخش نیست • مادر هرمنطقه ، درخانه هایمان، درحرکتهاوفعالیتهایمان و بالاخره دراجتماعات و مجالس‌مان بانقائص‌و کمبودهائی روبروهستیم • آیا خودرا تسلیم آن کنیم ؟ هرگز ! آیامهاجرت کنیم ؟ یا ایدئولوژیهای دیگری را برگزینیم ؟ آیابه ورشکستگی خودمان اعتراف کنیم ؟ هرگز !

بهمین دلیل ماهمواره درافق‌های دوردست درجستجوی انقلابی اصیل وریشه-

دارهستیم که بااندیشه و ایمانمان سازگاری داشته باشد •منشأ احترام مابدکترعلی شریعتی اینست که او مجهزبه سلاح‌فلسفه است وبااندیشه فلسفی‌اش مسائل را بیان و توجیه میکندو اسلام را به بزرگترین‌سلاح فکری‌معرفی کرده - است که این ملت درتاریخ پرشکوهش باقاطعیت و قدرت از آن استفاده کرده و توانسته است جاهلیت گذشته را به نوردرخشندگی بدل سازدو کفرگذشته رابه ایمان و پراکندگی آن را به توحیدو ذلت را به قدرت و بدبختی را به سعادت و عقب ماندگی‌گذشته را به تلاش‌وراه پیشرفت دیگران بدل سازد • ماتجربه موفقیت‌آمیزی راکه از لابلای کلمات دکترعلی شریعتی و دوستانش استفاده میشود به عنوان یک ثروت فکری بزرگ ارج می نهیم • همچنانکه به " الفتح " و انقلاب " الفتح " احترام می گذاریم نه بخاطرآنکه انقلابیرحق و عادلانه‌ایست و نه به این دلیل که بخاطرآزادساختن سرزمینهای مقدس‌تلاش میکند بلکه احترام ما به " الفتح " بخاطرآنست که یک انقلاب اصیل و بی پرده و غیوارداتی‌است انقلابی است از درون همین سرزمین و همین آب‌وخاک‌مقدس، انقلابی است در صراط مستقیم نه درراه کسانیکه برآنها غضب شده و نه درمسیرگمراهان است• مابه این امراعتراف داشته و افتخارمیکنیم و بهمین دلیل به آن تمسک میکنیم و آن راتقویت می کنیم و به آن ایمان می نهیم • دراین لحظات که یادعلی شریعتی را گرامی میداریم فکرو اندیشه اصیل و متعهدانه اورامی ستائیم ، همان اندیشه‌ای که میتواند سرتاسرجهان را بسوی خودجلب‌کندو نیروهای عظیمی رادرعبادتگاه ها و فروشگاه هاو خانه هابحرکت درآورد ، اینهاهمان نیروهای هنگفت ذخیره شده‌ای هستند که بلا استفاده باقی مانده و هیچگاه نمیتوانند درتغییرجامعه‌نقش — داشته باشندمگرآنکه تبدیل به یک جنبش‌و حرکت پرمحتوی‌و مبارزگردند •

ماافتخارمی‌کنیم که گردهم آمده ایم تااندیشه اصیل اوراگرامی بداریم تاگروه چهارم

راارج نهیم که نه تسلیم میشودو نه ازانجام مسئولیت میگریزدو نه درجستجوی اندیشه های وارداتی است بلکه خود بنیانگزار انقلاب ریشه دار و اصیلی است که بتواند جامعه اش را به سرحد تکامل و بلوغ فکری برساند • همانگونه که علی شریعتی درزندگیش برای ما خیرو برکت بود اکنون پس از شهادتش هم محفل اوموجب گرد هم آئی انقلابهای اصیل گردیده است • از فلسطین گرفته تا لبنان و از کشورهای آسیا و افریقا ، تا ارتیره وزنگبار ، اززیمبابوه تا فیلیپین و ایران ، همه رابدورهم جمع کرده است • این انقلابهای اصیل همگی درصف گروه چهارم قرارگرفته اند و ماآنهارا جهان چهارم می نامیم • قبلاً آنهارا جهان سوم می نامیدند.

ما از نظرموقعیت طبیعی جزء جهان سوم هستیم زیرا دربرابردوابرقدرت سر تسلیم فرود نمی آوریم و تقسیم جهان را به دوقدرت بزرگ نمی پذیریم ازاینجهت درتقسیم بندی جغرافیائی جزء جهان سوم محسوب میشویم ولی جهان سوم را نیز باید به دودسته تقسیم کنیم • گروهی که به ورشکستگی خود اعتراف داردوفکرو ایدئولوژی رااز دیگران میگیردو گروهی که ورشکستگی فکری اشرا نفی میکندو باالهام از اندیشه اصیل و ایدئولوژی اصیل به پیش میرود • دوست بهمین دلیل است که شهادت دکترعلی شریعتی موجب گردهم آئی این جنبشهای مبارز و متعهد میگردد • ماچه دردوران قدرت و چه درشرایط ضعف همواره بعنوان کسانیکه نماینده و سمبل یک جهان و دارای یک تاریخ و برخورد ازیک موقعیت جغرافیائی هستند دورهم جمع شده وباهم درآمیخته ایم •

ماباد لهای آگنده از ایمان به خدای لایزال که سرچشمه فکرو اندیشه ومبارزه و جهاد است بهم پیوسته وپس از آنهمه محنتها و زخمها و سپری کردن دوران ضعف و انحطاط، اکنون احساس قدرت میکنیم زیرا می بینیم که دراین محفل شکوهمند گردهم آمده ایم بنابراین شریعتی همچنانکه زندگیش همواره باروروثمربخش

بود شهادتش نیز پر برکت و سودمند است •

برادران عزیز ! ماوقتی درجامعه مان اوضاع عمومی را بررسی می کنیم می بینیم که مومنین به خدا و مبارزین قهرمان ضرورتاً باید بایکدیگرجمع شوندوبااخلاص همکاری نمایندو راه خودرا انتخاب کنندو گونه تنهادرخانه خودمی جنگند پس از حوادث دردناک ۲ سال گذشته که بدفاع ازمیهن ووحدت میهن ودفاع از ماهیت عربی کشورمرخاستیم بدون آنکه درجستجوی برتری و یاایجادفساد درزمین باشیم از آرمان فلسطین دفاع کردیم • دستمان را برای همکاری درازکرده و هنوزهم میکنیم و لی بازمی بینیم که دشمن درجستجوی یافتن نقطه ضعفهای ماست • میخواهد اختلافات درونی خود شرا به مامنتقل کندو تلاش میکند که جمع ما رابر هم بزندو مارا پراکنده و قدرتمان را به ضعف مبدل سازد •

برادران ارجمند ! مهمترین ضعفی که ممکن است یک انسان یایک تشکیلات و یک حرکت بدان دچارشود اینست که احساس تفرقه و پراکندگی نمایدوطبیعی است که وحدت وفشردگی صفوف ما ، دیدارما بایکدیگر، بنظرمن دراین موقعیت اجتناب ناپذیراست • آیاحوادث ۲ سال گذشته ماراکفایت نمی کند ؟ برادران ارجمند ! آیانشنیده اید که نخست وزیراسرائیل گفته است اسلحه اسرائیل است که ازدهکده های مسیحی نشین درجنوب لبنان حمایت میکندواز نابودی آنهاجلوگیری بعمل میآورد ؟ آیامسلمانان و مسیحیان لبنان این سخن رامی پذیرند ؟آیااین گفته واقعیت دارد ؟ مادرطول هزارسال بایکدیگربرادرانه زندگی کرده و بایکدیگررفت و آمد داشته و بطورمشترک همکاری داشته ایم • یک قرن پیش، اسرائیل کجابود ؟ این اسلحه اسرائیل است که موجب جدائی ماشده است • آیا اسرائیل ازدهکده های ما و مسیحیان دفاع میکند ؟ نه برعکس اسرائیل همواره درکمین حوادث بوده است تاهرلحظه که اوضاع آرام شود باندهاو سلاحهایش رابسوی ماسرازیرکندو دیگر بار

کشورمارابه آتش بکشند • اگرحافظه بعضیهاضعیف باشدولی اکثراً بخاطر میآورند
که جناب اسقف خسرویش این مرد پاک وصادق و امین، وقتی که در یافاوعکاوحیفـــــا
کشیش بود هنگامیکه اسرائیل براین سرزمین تسلط یافت و حکومت تروریستهاتأسیس
شد ابتدا بین مسلمانان و مسیحیان تفرقه افکند • یهودبه مسیحیان گفتند ما با
شما کاری نداریم ماتنها بامسلمانهامی جنگیم تاجائیکه آنهامسلمانهارارهاکردند -
پس از آن نوبت به مسیحیان رسید • آنهاابتدابین مارونی هاو کاتولیکهاجدائـــی
انداختندوصفوف آنهارا پراکنده ساختندو سپس همه رایکباره بیرون ریختند •این
داستان راتاکنون دوسه باراز خودایشان شنیده ام • دشمن مایعنی نخست وزیـــر
اسرائیل به چه کسی پوزخندمیزند ؟ چه کسی اختلافاتو مشکلات مذهبی رادر
لبنان بوجودآورد ؟ مادرکنارهم بامسالمتزندگی میکردیم • درست ۳ سال قبل بود
که من خطبه ماه رمضان را درکلیسای " کیوشی ها " ایرادمیکردم و قراربـــودکه
درپرخی ازمحافل نیز خطبه جمعه را یک عالم مسیحی ایرادکند • چه کسی در ـــ
همزیستی لبنانیهارسیده بود ؟ اکنون همچه کسی جزدشمن اسرائیل،مسائـــل
طائفه گری رادامن میزند ؟ آیامااین وضع را قبول کنیم ؟ آیاسکوت اختیارنمائیم ؟
وبگذاریم اسرائیل سیاشـــی کند ؟ هرگز ! مابایدبه این ادعاها پاسخ گوئیـــم •
مالبنانیها و فلسطینیها وسوریهاو اعراب همه و همه بایددست دردست یکدیگـــر
بگذاریم و دربرابردشمن متحداً بپاخیزیم و دراین مرحله خطرناکی که از نظـــر
کشندگی و خطـــرناک بودن باتاریخ تاریک یهودیان برابری میکندو از جهنـــم ـــ
سوزانی که دردل بیگن و دوستان بیگن دراسرائیل برپااست حساستر و خطرناکتـــر
است بایکدیگراتفاق و اتحاد داشته باشیم • مابه کجارسیده ایم ؟ آیا هنوز هم
گروههائی هستندکه درجهت منافع شخصی و سیاسی خودتلاش میکنندوبمنظـــور
تجاوزبه دیگران کوشش دارندو به اینسو و آنسوروی میاورند ؟ هرگز ! اکنون وقت آن

فرارسیده است که باهم کناربیائیم و اختلافاتمان رابه وقت دیگری موکول کنیـــم
وبالفتکوی سازنده به آن پایان دهیم تابتوانیم ازاین مرحله حساس وخطرناک ـــ
بگذریم ؟ بعضی هاازماچه میخواهند ؟وقتی مشکلاتشان آنهارا کفایت نمیکندآن وقت
این مشکلات را بجنوب ومناطق دیگرلبنان میکشانندوبرای مقاومت فلسطین ولبنـــان
دودسر ایجاد میکنند • کارمابجائی رسیده است که حتی برخی از کشورهای شرقی
نیزنیروی مارا به نابودی و غرسایش می کشانندو هرروزه بازی جدیدی راآغازکنند •
هرروزکه میگذردمی شنویم که " امام " تازه ای وموسسه جدیدی خلق میشود •
هرروز میشنویم که بعضیهااظهارتمایل میکنندکه باماهمکاری کنند • می شنویـــم
که آنها نسبت به مردم شیعه اظهارخیرخواهی میکنند • اگرآنهاخیرخواه شیعه و
تشیع بودند دکترشریعتی رانمی کشتند • اگرآنهاخیرخواه تشیع بودندآقای طالقانی
را بزندان نمی انداختندو رهبران فکـــری ایران رادستگیرنمیکردند • سازمـــان
امنیت ایران که مردم شیعه رابه بندمی کشدوصفوفمتحدآنهارادرهم میشکندو -
آنهارابزندان می افکند دستهای مرموز و خطرناکتررادراین منطقه هم بحرکت در-
آورده است تابیکره تشیع رادراینجا متلاشی کند واز وجودمانیز چیزی بسازدکـــه
هرگزآن رانمی پذیریم • ماهرگزاین وضع را قبول نمیکنیم • آیامابپذیریم که صفوفمان
راپراکنده کنندووحدت مارامتلاشی سازند ؟ هرگز ! چنین چیزی برای ما قابل قبول
نیست • درست است که مابه مشکلاتومصیبتها و تجاوزات بیشماری دچارشده ایم
ولی کالبد ماهنوزدارای خونی است که آماده دفاع است واز همتی برخوردداریم
که ردمی کندو زبانی که سخن میگویدو افشامیکند •ببینید تاریخ ما چگونه بود ؟
رهبران ماچگونه بودند ؟ مردان ماچگونه بودند ؟ کسانیکه درتاریخ به امپراطور پهای
جهان میگفتند " نه " • مساله احتیاج به بحث ندارد • شماهرروزدرگوشه وکنار
شاهد گروهها وعامه بسرهائی هستیـــد • امامهای تازه و جبهه هاوتشکیلات-

جدیدی رامی بینید که تلاش میکنند ، تشویق میکنند و همه نیرو و همت خود را برای — متلاشی کردن صف شیعه بکار میبرند • اینها از ما چه میخواهند ؟ ما راه خود را انتخاب کرده ایم • راه ما راه مبارزه است • راه علی و حسین است • راه حق و راه نفی دیکتاتوری است • راه ما راهی است که استعمار و استثمار و استحمار را در ابعاد — مختلف آن نفی میکند • ما در لبنان ، کشور آزادی ، آگاهی ، سرزمین وحدت ملی و مبارزه در راه برترین اهداف ، در پایگاه مقدس ترین انقلابها یعنی انقلاب فلسطین نمیتوانیم بپذیریم که آدمکهای با شخصیتی که جز پول نفت بضاعتی و جز فتنه انگیزی وحیله گری حربه ای ندارند ، بخانه ها و صفوف ما و صفوف شیعه راه یابند و ما را پراکنده و آلت دست خود سازند • ملت ما و مردم شیعه نسبت به این مساله آگاه است • شیعه شاهد بوده است که روزی علی (ع) را به تند روی و خشونت و روزی به سکسری و شوخ بودن متهم میکرده اند • روزی حسین (ع) را متهم میکردند که برامام وقت خروج کرده است و روز دیگر برای لجن مال کردن چهره او اینجا و آنجا عوامفریبی میکردند • اگر ما هیچ مشخصه ای نداشته باشیم تنها امتیاز ، شعور و — فهم ما است • آیا ما معتقد به اجتهاد نیستیم ؟ اجتهاد یعنی درک و کشف وضع موجود • فعالیت براین اساس موجب میگردد که سیاشی های آنها در ما تاثیری نداشته و توطئه های آنها نقش بر آب گردد • ما ، رکین آنها هستیم • بگذارتا این نوکران و مزدوران گورشان را گم کنند اگرچه لباس دین برتن کرده باشند و اگر چه خود شان را امام معرفی کرده باشند • بگذار این پست فطرتها و کوته فکران — بجهنم بروند • جهنم مال ، جهنم فساد ، جهنم هرزگی و لاابالیگری • مردم لبنان شیعیان علی و حسین باید بدانند که این افراد اگر برای شیعه و تشیع ارزشی قائل بودند و به دانشمندان و روحانیون اهمیتی میدادند • اگر آنها به دانش و فضیلت ارج می نهادند هزاران فرسخ به بدانها یشان نمی افکندند ، این گونه

فعالیتها را محکوم میکنیم •

برادران !

در این محفل فقید بزرگ ، دکتر علی شریعتی را به عالیترین وجه گرامی میداریم و بدون شک در این محفل که ما در برابر این روح تابناک قرار گرفته ایم احساس میکنیم که این فاجعه ، برای ما و بازماندگانش و جوانان با ایمان مسلمانی که در اثر شهادت این مرد بزرگ سوخته اند ، سوک بزرگی است ، همچنانکه در این روزگار سخت و بحرانی ، دیدار ما در این محفل برکت و فضل دیگری از جانب آن شهید است •

ما باید با تمام کسانیکه وضع موجود را رد می کنند و از زیر بار مسئولیت فرار نکرده و از بیگانگان ، سلاحی نمیگیرند دست بدست هم داده و همکاری کنیم و محیط لبنان و جهان عرب را با الهام از حکمت و آگاهی از این مرحله بگذرانیم و به دستهای ناپاک اجازه ندهیم که با سرنوشت ما بازی کنند • همه مالمنانیها باید دست به دست هم بدهیم و با رزمندگان فلسطینی به عنوان برادران هم هدف و هم — آرمان دست در دست یکدیگر بگذاریم و با همه جهان عرب دست بدست هم بدهیم و باین وضع رنج آور و دردناک پایان دهیم یعنی شرایطی که همواره آن را لمس — میکنیم و می بینیم که با شرافت و حیثیت ما و تاریخ ما هیچگونه تناسبی ندارد •

بنابراین دست در دست همدیگر بگذاریم و اندیشه هایمان را بهم پیوند دهیم و در پرتو ایمان به خدا دل به یکدیگر بسپاریم و خود را به سرچشمه عقل و اندیشه یعنی به خداوند بزرگ متصل سازیم

والسلام علیکم و رحمة الله

جبهه آزادیبخش ارتیره

قرار بود، جبهه آزادیبخش ارتیره (نیروهای آزادیبخش خلق) دراین محفل شرکت کند ولی به علل فوق العاده ای از شرکت درمجلس معذرت خواسته و تلگراف زیر را فرستاده است:

بنام خدا و بنام انقلاب ارتیره و ملت ارتیره به ملت لبنان و فلسطین و به ملت ایران درود فرستاده و به آنها تسلیت می گوئیم. همچنانکه به خودمان نیز بخاطر درگذشت برادر، مبارز بزرگ شهید دکتر علی شریعتی تسلیت میگوئیم. ما دکتر شریعتی را بعنوان پشتیبان انقلاب و ملتمان و مدافع صادق آرمان عادلانه شناخته ایم. اوهمچنان که پرچم انقلاب الجزائر و انقلاب فلسطین را بدوش می کشید، پرچم انقلاب ارتیره را هم بدوش داشت. با شهادت او ما دوست وفادار ملتمان ومبارزی برجسته درراه آرمانهای عادلانه را از دست میدهیم. ما با او و کلیه شهداء پیمان می بندیم که تا سرحد پیروزی و آزادی به مبارزه ادامه دهیم. ملت ما امروز با توطئه بزرگی روبرواست که بمنظور از بین بردن و نابودی و تسلیم ساختن آن دربرابر زمامداران فاشیست حبشه تدارک دیده شده است. ما از سال ۱۹۶۱ به بعد انقلاب را بسرانجام رسیدن به استقلال و آزادی رهبری میکنیم و دراین راه هزاران شهید پاکباخته را از دست داده ایم باین مناسبت با ما با شما و با روح شهید صدیق ووفادار، دکتر شریعتی پیمان می بندیم که باهم دریک سنگر برضد استعمار، صهیونیسم، نژادپرستی وستمگری باقی خواهیم ماند هراندازه که با مشکلات روبرو شویم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

جبهه آزادیبخش ارتیره (نیروهای آزادیبخش خلق)

سخنرانی آقای منیر شفیق نایب رئیس مرکز برنامه ریزی فلسطین

بسم الله الرحمن الرحیم

برادرم فرمانده کل نیروهای فلسطین! برادرم حضرت امام صدر! حضرات علماء و دانشمندان گرامی! خواهرم همسر دکتر علی شریعتی! برادران السلام علیکم ورحمة الله

درودهای انقلابی برشما باد. محفل یادبود چهلمین روز شهادت دکتر علی شریعتی را باید بعنوان ادامه کاروان شهدای احد، بدر، کربلا، قادسیه، حطین کرامه و جنوب لبنان بنگریم.

مجلس یادبود شهید، همواره درس بزرگی است که انسان نمیتواند آن را درهیچیک ازمدارس و دانشکده ها و دانشگاهها بیاموزد یعنی درس رویاروئی با حقیقت. این حقیقت که بفهمیم چگونه زندگی کنیم و چگونه بمیریم، بشناسیم که بخاطر چه زندگی میکنیم و بخاطر چه میمیریم. این همان درس است که به زندگی هرکس معنا و مفهوم داده و به آن هدف واقعی می بخشد. تنها در اینصورت است که انسان اگر زنده باشد به بهترین وجه زندگی میکند و اگر بمیرد شهید میمیرد. دیروز با دو تن از برادران و دوستان علی شریعتی به صحبت نشستم. آنها مقدار زیادی از زندگی و خصائص و خصوصیات شرح سخن گفتند. همین دیروز ۲ جلد از کتابهای اورا خواندم و دریافتم که بزرگداشت این مبارز بزرگ و شهید که از بهترین فرزندان ملت ایران بود، از جانب ما شگفت انگیز نیست. چراکه ما مجاهد بزرگی را گرامی میداریم که زندگی ووجود شرا برضد استعمار و دیکتاتوری صرف کرد او مجاهدی بود که برای استقلال کشورش و کلیه کشورهای ضعیف و استعمارزده تلاش میکرد او در ایران، آری در ایران مبارزه میکرد. کلمه حق را به گوشها مینواخت. ما اگرچه

شخصیت بزرگ اورا نمی شناسیم ولی میدانیم که اوازشگفت انگیزترین مردان این روزگارو برخوردارازحصائل مبارزین و پیکارگران بزرگ بود • بهمین دلیل است که مایاد اورادراین روز بزرگ صادقانه گرامی میداریم • یادمردی که قلمش رادر خدمت مبارزه بااندیشه های منحرف قرارداد تااصالت درتفکرو اندیشه رادرجامعه رسوخ دهد • آری ماملتهای جهان سوم بیش ازهرچیزبه اصالت فکر نیازمندیم زیرابادهای مخالف از هرسوبرمامیوزد آنهم درلحظاتی که ماریشه هایمان سطحی و گسسته است و باتاریخ وفرهنگمان بیگانه شده ایم • دراینصورت مابزودی شخصیت خودرااز دست داده و درمیان امواج مخالف گم خواهیم شد هرچندکه صدای فریادمابه آسمان بلند شودو هراندازه که برای نجات خودفداکاری کنیم بهمین جهت خط مشی ماباید اصیل بوده و درعمق جان ماریشه داشته باشد • جنبش مایعنی " الفتح " نمونه حقیقی و زنده ای از این اصالت است ، چه کسی افکاردکترشریعتی را نمی پسندد ؟ کسی که عملش گویای افکارشناخته شده اش بود • اوفرق زیادی بین افکارشناخته شده و اندیشه های پنهانی و ناشناخته و بین تئوری و عمل قائل نبود • کسی که عملش باافکارش مطابقت داشته باشد تنهااواست که میتواند مبارزحقیقی و آموزنده باشد • آری دکترعلی شریعتی از اینگونه متفکرین بود •

علت بزرگ دیگری که موجب میگردد ماصادقانه و باگرمی و اخلاص تمام یادا و را گرامی بداریم موضع دکترشریعتی نسبت به انقلاب فلسطین و پشتیبانی اوازانقلاب فلسطین میباشد • ازاینرواو باانقلاب فلسطین رابطه ای نزدیک داشت • باتوجه به خصائلی که از اویادکردیم اکنون بایدبایستیم و از دکترشریعتی تجلیل بعمل آوریم بهمانگونه که ، عادتاً شهدای انقلاب فلسطین راگرامی میداریم • بایدتوجه داشت که شهیدان تنهادرصورتی مورداکرام و تجلیل واقع میشوندکه راه ومسیر

آنهارادنبال کرده و پرچم آنهاراهمواره برسر دست نگهداریم و نسبت به راهی که آنهاجان خودرابرسرآن گذاشتند مومن ووفادارباقی بمانیم • تنهادراین صورت است که شهیدان راگرامی داشته و دکترشریعتی راارج نهاده ایم • بزرگداشت شهیدتنهادرصورتی عملی است که ماانقلاب راادامه دهیم • دراین کشوربرهمه ما چه لبنانی و چه فلسطینی واجب است که انقلاب فلسطین راادامه داده وسینه هایمان راسپردفاع وحمایت از آن قراردهیم • تنهاو تنهاازاین طریق میتوان شهیدان راارج نهاد • آری بزرگداشت شهداء ایجاب میکندکه ماوحدت خودراحفظ کنیم و بافشاری و فداکاری و مبارزمان راافزایش دهیم • تنهابدینوسیله است که شهیدان راارج نهاده ودکترشریعتی راگرامی داشته ایم • بزرگداشت شهیدان ایجاب میکندکه به مبارزه خودبادشمن صهیونیستی و امپریالیسم آمریکا ادامه دهیم • اگر" وانس " به این کشورمیآید تاتوطئه های خودرانسبت به انقلاب فلسطین پیاده کندیاشرایطی را برانقلاب فلسطین تحمیل نمایدو یابخیال خودانقلاب فلسطین رامحدودکند • ولی مابا صراحت به امپریالیسم آمریکامیگوئیم که انقلاب فلسطین هرگز تسلیم نخواهد شد • هرگزتسلیم نخواهد شد • هرگزتسلیم نخواهد شد • باوقتی " بیگن " نامه های تهدیدآمیز برای برادرمان ابوعمارمیفرستدباید بداندکه تهدیدهایش هیچگونه تاثیری نخواهدداشت و باروحیه مقاوم و مبارزه جویانه مادر میدان نبرد روبروخواهدگردید •

بزرگداشت شهداء درسنگرهای جنوب لبنان امکانپذیراست • باید جنوب رامحافظت کردتاتفنگهای ما درجنوب همیشه رو به دشمن باقی بماند • ماتنهادرصورتی میتوانیم شهیدان راارج نهیم که بگرد انقلاب فلسطین و رزمندگان فلسطینی درجنوب حلقه بزنیم ، تنهابدینوسیله است که شهیدان راارج نهاده و دکترشریعتی راگرامی داشته ایم • آری ، برای اینکه شهیدان را گرامی بداریم ، بایدبه مبارزهمان در

راه وحدت لبنان و حفظ ماهیت عربی آن و بخاطرخنثی ساختن نقشه تقسیم لبنان و بازسازی آن و بخاطرپایداری پرچم انقلاب فلسطین در لبنان ادامه دهیم و تفنگهایمان را بضد دشمن صهیونیستی نشانه رویم • گرامیداشت شهداء باینست که به پشتیبانی قاطعانه خوداز انقلاب اریتره ادامه دهیم و براین حقیقت — پافشاری نمائیم که مشکل اریتره تنهادرصورتی حل خواهد شدکه به انقلابیونی که اینهمه فداکاری کرده و برخورداراز آرمانهای مقدس و عادلانه هستند استقلال کامل داده شود • ماباید باصدای بلندفریادبکشیم که :

استقلال ، استقلال ، استقلال برای اریتره •

ما اصرار داریم که ملت عرب بطوریکپارچه به پشتیبانی از ملت عرب سومالی برخیزد واورایاری دهند • ماضرورتاً باید درپشت سراو متحد شویم و نبایداجازه دهیم که جبهه های متعدد درکنارماگشوده شود زیرااینکارباعث میشودکه جبهه مرکزی واصلی ماکه همه تفنگهایمان باید درآن جبهه و بسوی دشمن صهیونیستی گرفته شود ضعیف گردد •

مساله دیگری که باقی میماندایستکه میخواهم به کسانی اشاره کنم‌که درنظر دارند صفوف شیعه رادرلبنان بهم بزنند • من باصراحت میگویم که کسانیکه پرچم علی و حسین رابدوش میکشند و میخواهند همواره این پرچم را گرامی بدارند باید بدانندکه تنهادرصورتی دراینکاروموفق خواهند بودکه درجنوب لبنان تفنگهایشان رابدوش بگیرندو پیکارکنند • تنهاکسانی نمایندگان شیعه هستندکه درکنارانقلاب فلسطین ایستاده و باجان ودل ازآن دفاع میکنند • اینهاتنهاکسانی هستندکه مردم مابدورشان گردخواهندآمدواین تنهاراهی است که بوسیله آن میتوان کلیه شهداء و شهدای کربلا را ارج نهاد امابهسانه های پوچ رادست آویزقرار دادن دربرابرفداکاریهائیکه درجنوب میشودو دربرابرمشکلاتی که انقلاب فلسطین و —

وانقلابیون و مردم جنوب(که اکثراً شیعه هستند) با آن روبرو هستند هیچ ارزش ندارد • اینگونه موضعگیری ، یعنی موضع مقاومت آمیز در جنوب لبنان ، موضع دفاع از انقلاب فلسطین و آمادگی برای فداکاری، تنهاپاسخ حقیقی بدشمن بشمارمیآید • بخصوص‌که مادراین روزها باخطرتجاوز صهیونیستها به جنوب لبنان روبروهستیم • برمالازم است‌که اسلحه مان راآماده کنیم وآماده رویاروئی بادشمن صهیونیستی درجنوب باشیم • روزکرامت و افتخارآنقدرهاهم دورنیست• جنوب لبنان بایدخود " کرامه "(۱) جدید ی گردد •

درپایان بایدبگویم که شهادت دکتر علی شریعتی یکی دیگراز عوامل تقویت رشته هاو پیوندهای مبارزاتی بین ملت عرب و مردم ایران میباشد • مادرواقع بین مردم دربندو تحت ستم و دیکتاتوری ایران و بین شاه وتوطئه هائی که از سوی رژیم ایران بسرشد خلیج تدارك دیده میشود فرق میگذاریم • مابر- کوششهای رژیم ایران بمنظورتبدیل خلیج به نقطه انفجاردیگری درمنطقه ، سکوت راروا نمیدانیم • بایددرنظرداشته باشیم که دست تجاوزرژیم ایران درظفار درازشده و برادران ما ، انقلابیون ظفاربوسیله ارتش‌ایران مورد هجوم قرارگرفته اند و این تجاوزهرگز باارادهٔ ملت ایران ارتباطی نداشته و تنهانشان دهنده خواست کسانی است‌که ملت ایران را به بندکشیده اند • بهمین جهت ماباملت ایران ، باملتی که دکترعلی شریعتی بدان وابسته است برادران همرزم هستیم وهمواره درمبارزه و جهاد برادرو همراه یکدیگرخواهیم بود • انقلاب تابپیروزی ادامه دارد •

---

(۱)"کرامه "اشاره به نبرد فلسطینیها با اسرائیل درمنطقه کرامه درسال ۱۹۶۸ میباشدکه‌فرماندهی‌شخصی‌یاسرعرفات‌به پیروزی‌چشمگیرانقلاب‌فلسطین‌وشکست‌نیروها وفرارسربازان‌اسرائیل‌منجرگردید •

سخنرانی آقای صادق قطب‌زاده

به نمایندگی از : نهضت آزادی ایران، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان
در اروپا، آمریکا و کانادا و روحانیون مبارز ایرانی

بسم الله الرحمن الرحیم

والصلاة و السلام علی محمد المصطفی و علی آله الطیبین الطاهرین •

ملت ایران امروز به خاطر از دست دادن یکی از مهمترین شخصیتهای زمان ما، فیلسوف جامعه شناس و بیش از هرچیز بخاطر فقدان یک مجاهد، اندوهگین و خشمناک است • شریعتی، انسانی بود که اندیشه و قلمش را در خدمت مبارزه مسلحانه قرار داد و در مسیر آموزگاران و استادان بزرگش امام خمینی و آیت الله طالقانی و آقایان بازرگان و سحابی قدم نهاد • دکتر شریعتی عمر خود را در خدمت رشد و آگاهی ملت ایران قرار داد تا آن را به مرحله آزادی و عدالت برساند و از استعمار و امپریالیسم شرق و غرب رها سازد • ملت ما خشمگین است زیرا که نمیتواند اظهار ناراحتی کند رژیم ایران از هرگونه تظاهرات، در مساجد، خیابانها و خانه ها جلوگیری بعمل میآورد و حتی از دیدار خانواده او نیز جلوگیری میکند علی شریعتی از سن ۱۸ سالگی مبارزه اش را بخاطر آزادی و عدالت آغاز نمود • عدالتی که بر پایه اسلام بنیان نهاده شده است • در سن ۱۹ سالگی یعنی در سال ۱۹۵۳ از حکومت دکتر مصدق پشتیبانی کرد و سپس به سازمان مقاومت ملی پیوست و همراه دیگر دوستانش به زندان افتاد و تحت شکنجه قرار گرفت • در سال ۱۹۵۷ تحصیلات دانشگاهی اش را به پایان رسانید و بعنوان اولین شاگرد فارغ التحصیل شد بهمین جهت میتوانست برای ادامه تحصیلاتش بورس تحصیلی بگیرد و به خارج مسافرت کند ولی دولت خائن ۲ سال تحصیلات او را به تاخیر انداخت •

در سال ۱۹۵۹ به صفوف انقلاب الجزائر پیوست و همکاری گسترده ای را با آنان آغاز نمود و بخصوص با " فرانتز فانون " و "بوتفلیقه " از نزدیک آشنا گردید • چندین بار در خیابانها دستگیر و شکنجه شد ولی وقتی انقلاب الجزائر به پیروزی رسید پاداش خود را بسیار بزرگ یافت • پس از آن، فعالیتهای خود را در چهارچوب مبارزات ایران آغاز نمود و نهضت آزادی ایران را در خارج از کشور تاسیس کرد همچنانکه آیت الله طالقانی و آقایان بازرگان و سحابی این نهضت را در داخل کشور بنیان نهادند • سازمانی که من امروز به نام آن با شما سخن میگویم • در سال ۱۹۶۴ دکتر شریعتی در پاریس به درجه دکترا در جامعه شناسی نائل گردید و با همسر و ۲ فرزند شریفه ایران بازگشت ولی در مرز دستگیر گردید و مدت ۶ ماه در زندان ماند • رژیم میخواست با شکنجه، او را وادار سازد که حاضر به همکاری شود • پس از آزادی از زندان بلا فاصله کار خود را در دانشکده های دانشگاه مشهد آغاز کرد • هزاران نفر دانشجو به کنفرانسهای او گوش میدادند این امر موجب گردید که او را اجباراً بازنشسته کنند و در آن هنگام به تهران منتقل گردید در سال ۱۹۷۰ کنفرانسهای خود را در مساجد و در حسینیه ارشاد آغاز کرد و در این کنفرانسها بخصوص به فلسفه تاریخ اسلام پرداخت و مورد توجه دانشجویان و لیسانسیه ها قرار گرفت و علیرغم فشارهای رژیم برای جلوگیری از شرکت در این درسها از سرتاسر ایران به درس او حاضر میشدند • تعداد این شاگردان بین ۶ تا ۱۰ هزار دانشجو بود و تیراژ کتابها و نوشته هایش به ۱۵۰ هزار نسخه میرسید و چنین استقبالی از نوشته های یک نویسنده در ایران کم نظیر بود • خلاصه اینکه علی شریعتی از سن ۱۵ سالگی تا چهل سالگی با آرمانها و فعالیتهای جوانان همراه و همگام بود • او سمبل نسل جوان گردید • او معتقد بود که اسلام دینی است مبتنی بر آزادی و عدالت و عبادات تنها و تنها وسیله ای برای انتقال اخلاق و مفاهیم

عالی به فردو جامعه است • او ایمان داشت که اسلام دارای جهان‌بینی است و هیچ مسلمانی نمیتواند درگوشه خانه اش آرام وبی‌مسئولیت بخزد و این خود دلیل روشنی براصالت همکاری اسلام و مسلمین باکلیه جنبشهای آزادیبخش‌جهانی است • دکترشریعتی علی(ع) را مظهرو تجسم زنده این نظریه میدانست• اومیگفت ، ای برادر ا علی (ع) زندگیش‌رابرسواین سه کلمه گذاشت:

مکتب ، وحدت ، عدالت ، علی شریعتی همواره از انقلاب سخن میگفت و بر لزوم پاسداری از آن تاکید میکرد • اماانقلابی‌که اخلاق جزء جدانا شدنی آن باشد • بهمین دلیل او هرگونه نظریه ماکیاولیستی رامبنی براینکه هدف‌وسیله راتوجیه میکند بشدت ردمیکردو معتقد بودکه انقلاب بدون اخلاق مهلکترو شکننده تراز یك حکومت دیکتاتوری است که از کلیه اصول و امکانات مادی برخوردارباشد • او به تاریخ تکیه میکردو از بسیاری آرمانهای عادلانه و مقدس یاد میکردکه دراثرفقدان اخلاق درصفوف مبارزین متلاشی شده است • بدست‌آوردن پیروزی ، حتی پیروزی نظامی اگرهمراه بابعد اخلاق نباشدجز شکست چیزی ببار نخواهدآورد • رژیم ایران یك رژیم استبدادی و نوکر استعماراست که از ۲۵ سال پیش تاکنون کوشش‌کرده است تاهرگونه فعالیت انقلابی و بویژه حرکتهائی را که از اصول اسلام‌انقلابی الهام میگیرد نابودسازدولی از آنجاکه جنبش‌ازاصول اخلاقی برخورداربوده بامقاومت سرسختانه بارژیم برخوردکرده است• تصادفی نیست که میبینیم مستشاران اسرائیلی‌و آمریکائی و کمونیستهای سابق‌درفعالیتهای ساواک‌نظارت دارند • تصادفی نیست اگرمی بینیم قرآن و نهج البلاغه سوزانده میشودو هرکس‌نوشته های مرجع‌بزرگ شیعه امام خمینی یاآیت الله طالقانی و بازرگان و شریعتی رانگهداری کندموردتعقیب قرارمیگیرد • تصادفی نیست که تعداد زندانیان سیاسی درایران به صدهزارنفرمیرسدکه ۸۰درصدآنهامبارزین مسلمان از

کلیه طبقات جامعه اند و بالاخره هرگز تصادفی نیستکه امام خمینی از۱۴سال پیش‌درتبعید بسرمیبردواخیراً هم روحانیون دیگری مانندآیت اله منتظری،آیت‌اله طالقانی ، حجة الاسلام‌هاشمی‌و حجة الاسلام لاهوتی‌پس‌از مدتها شکنجه به چندین سال زندان محکوم شده اندو همه آنهادرسنین بالای عمرسرمیبرند • هم اکنون ۲۵۰هزارآمریکائی درایران هستندو تنهاآمریکائی هاهستندکه‌ازسلاحهای مدرن استفاده‌می‌کنند •اقتصادایران دروضع‌واقعاً نابسامانی است‌و اوضاع سیاسی روزبه روز بحرانی ترمیشود • ملت مسلمان و مبارزایران اکنون درجنگ نابرابری درداخل وخارج کشوردرگیراست‌ولی علیرغم ضعف‌و ناتوانی‌اش‌همچنان اهمیت همکاری باجنبشهای انقلابی جهان‌و بویژه مقاومت فلسطین را فراموش نکرده و درراه کمك به انقلاب‌فلسطین بامال و جان شرکت جسته است • درهمین اواخر گروهی از انقلابیون مسلمان به مرکز هواپیمائی " العال" و مرکز تبلیغات صهیونیستهادرخیابان شیخ‌هادی ودرنزدیکی فروشگاههای بزرگ تهران حمله کرده و ۳۵ صهیونیست راکشتند ، دراین عملیات ٤ نفرشان‌بشهادت رسیدند ولی تاکنون هیچ بیانیه ای از طرف‌آنان صادرنشده است‌واین خود نشان دهنده همکاری عملی بین انقلاب ایران و انقلاب فلسطین است • مبارزه مسلحانه سازمانهای اسلامی هرروزه گسترش‌بیشتری می‌یابد • ماهرروزدوستان و دشمنان خودرابرحسب روابطشان بارژیم ایران شماره میکنیم و هرگزنمی پذیریم که روابط دوستانه بااین‌رژیم بعنوان تحکیم روابط بین‌المللی‌توجیه شود •

علی شریعتی درسال ۱۹۷٤ باردیگربه زندان افتاد • او ودوستان وهوادارانش‌رادرجلو چشم او شکنجه کردند • آنهارا مجبورمیساختندکه بهاو دشنام بدهند • برخی از آنهادرزیرشکنجه جان سپردندولی هیچکدام حاضرنشدند به او دشنام بدهند • پس‌از ۱/۵ سال زندان ، هنگامیکه شاه برای بستن

پیمان صلح با عراقیها به الجزائر مسافرت نمود ، مقامات الجزائری از او درخواست آزادی شریعتی راکردند • او از زندان آزاد شد ولی پس از آزادی نیز دائماً تحت کنترل و تعقیب بود • او در سال ۱۹۷۷ توانست به خارج بگریزد و پس از مدت کوتاهی بطور مرموزی در انگلستان درگذشت • رژیم ایران میخواست جسد او را به ایران بازگرداند • و به این منظور ۸۰ نفر از ماموران ساواک را به انگلستان فرستاد ولی پس از تلاشهای پیگیر و پافشاری فرزند او و فعالیتهای نهضت آزادی ایران بالاخره توانستیم جسد او را در کنار مزار حضرت زینب (ع) به خاک بسپاریم • در کنار شخصیتی که علی شریعتی همواره نسبت به او ارادت خاص داشت • او در کتاب شهادتش میگوید :

" آنهاکه رفتند کاری حسینی کردند و آنهاکه ماندند باید کاری زینبی کنند و گرنه یزیدی اند "

حضار محترم ! ملت ایران ، از طریق نهضت آزادی ایران و روحانیون مبارز ایرانی و اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا و کانادا - از حضرت امام موسی صدر و ملت لبنان و فلسطین و انقلاب فلسطین بخاطر شرکت در این محفل که ملت ایران آرزوی برگزاری آن را در ایران دارد تشکر و سپاسگزاری میکند • تصدیق بفرمائید که هرگز همبستگی شما را فراموش نخواهیم کرد • ما هرگز آنچه را که شما به سمبل آزادی و رهبر نسل جوان ایران دکتر علی شریعتی هدیه کرده اید از یاد نخواهیم برد •

والسلام علیکم و رحمة الله •

نمونه ای از عکسها (پوستر) در بزرگداشت دکتر شریعتی در لبنان

" ازرنج مصیبتها و مشکلات و از درون پیکره های ساخته ازگرسنگی ، از سوشک بیوه زنان و اشک یتیمان سخن میگویم • کاروان شهیدان یکی پس از دیگری این مسیر را پشت سرگذاشتند و بازیان مبارزه ، عصر، تسلیم و شکست را درهم کوبیدند و برسرزمین ماتصویر درخشان و خاطره ترسیم کردند :

انقلاب تا پیروزی و آزادی •

خوشه های سبز از دریای غم ها و زمین دردمند جوانه میزند و آفتاب فداکاری و از خودگذشتگی برما میتابد • راستی اگر فداکاری نبود ما هیچ امیدی نداشتیم • ما از زخمهای مبارزین زاده شده ایم و همه عظمتها از جراحت ها زاده میشوند • همراه باهمه رنجها و همگام با ظلمتها و تاریکی ها ، شهادت درمسیر ما خط مشخصی را رسم میکند که دنبال آن فتح مبین و پیروزی آشکار و اصیل بیارخواهد آورد •

واژه انقلاب همراه باتفنگ ، شخصیت ما را به ما بازمیگرداند ما از جنوب، کوهستان نیروهای صهیونیسم سخن میگوئیم • اینچنین شیخ محمد یعقوب رهبر انقلاب فلسطین را معرفی نمود •

سخنرانی آقای یاسرعرفات

برای من مایه افتخار است که دراین محفل ارزنده ، یعنی محفل یادبود برادر و همراهم شهید مبارزعلی شریعتی شرکت میکنم • دراین محفل مقدس باید بشما بگویم که دکتر شریعتی تنها یک مبارز ایرانی نیست و نه مبارزی متعلق باین منطقه بلکه او مبارزی است فلسطینی ، لبنانی ، عربی و جهانی • از اینجا است که معنای شرکت ما دراین محفل روشن میشود • مقصود از "ما" یعنی ، فلسطینیها محرومین ازوطن باشما محرومین دروطن، درجنوب لبنان ، شماکه امروز برای

دفاع ازما درجنوب ، تفنگ بدوش گرفته اید • ببینید چگونه محرومین ازوطن با — محرومین دروطن دراین محفل ارجمند همبستگی پیدا کرده اند بهمین دلیل استکه من به حضرت امام موسی میگویم که " فتح "و " امل "به راستی " فتح " — (گشایش) و امل (آرزو) هستند • گشایشهای این ملت و آرزوئی برای این سر- زمین که " بیگن " آن را سرزمین آزاد شده نامیده است • من امروزبایشان میگویم که این سرزمینی است که با " فتح " و "امل " آزاد شده است • با "فتح "و " امل " • ازاینجااست که اهمیت این تفنگهاکه باقدرت ایمان و سرسختی در " بنت جبیل " و " خیام "(۱) مقاومت میکند روشن میشود تفنگهائی که پشتیبان دیگرسلاحهائی است که تا پیروز درجنگهای خونین " وادی قدس " و " خلیل " بکارگرفته میشدند • این تفنگهاکه درجنوب لبنان ، باتفنگهای داخل اراضی اشغال شده همنامی و همراهی میکند جلو یاوه های " بیگن " و " دایان " را میگیرد و به آنهامیگویدکه این — سرزمین متعلق به اعراب ، به اعراب و متعلق به اعراب است • درانقلاب — فلسطین برخوردار از همه این مفاهیم پاك بوده و فرقی بین مسلمان و مسیحی قائل نیستیم و بالاترازآن ، مادرحکومت دموکراتیك خود همزیستی مسلمانان مسیحیان و یهود راپیش بینی میکردیم و بهمین دلیل ازسال ۱۹۷٤ همواره — نمونه همزیستی مذاهب مختلف رادرلبنان بعنوان بهترین نمونه درسازمان ملل متحد ارائه داده ایم ولی دشمنان ملت لبنان و دشمنان ملت فلسطین مصرانه میخواستندکه این کشت وکشتار دراین سرزمین سبز و خرم اتفاق بیفتد • مقصود آنهااین بودکه این نمونه همزیستی مسالمت آمیزرادراذهان آلود مکنند همین دیروزشنیدید که بیگن از" دیواریاك " سخن میگفت و اظهار میکرد که این دیواریاسدار و تمامی دهکده های مسیحی نشین است ولی مامیگوئیم-

(۱) – دودهکده درجنوب لبنان ونزدیکی مرز اسرائیل است•

حامی دهکده های مسیحی نشین، همبستگی مسلمان و مسیحی درلبنان و — همبستگی مسلمان و مسیحی درفلسطین است • آری تنهاو تنهاهمین همبستگی ، حافظ واقعی مسلمانان و مسیحیان دراین سرزمین است • ماتنهایك سئوال ساده طرح میکنیم و آن اینکه درطول دوسال گذشته آیابه هیچ فردمسیحی درجنوب لبنان آسیبی رسیده است ؟ دراین منطقه مسلمان و مسیحی بایکدیگر همزیستی داشتندولی پس ازپایان جنگ و موفقیت کنفرانسهای ریاض و قاهره که آثارگشایش و آرامش درافق پدیدارگشت ناگهان توطئه هایشان رادرجنوب آغازکردندتاهمیشه این زخم درحال خونریزی بوده و نیروهای مارافرسوده سازد ولی ما به آنهامیگوئیم که این زخم تنهابرای بیگن و پشتیبانان او و کسانیکه اورادرمسافرتهاورفت و آمدهایشان تحریك میکنند خونریزی خواهد کرد! همین دیروز بیگن نامه تهدیدآمیزی برای من فرستاده مبنی براینکه حضور انقلاب فلسطین را هرگز نخواهد پذیرفت ولی من امروزبنام شما ، نه بنام انقلاب فلسطین ، وبنام این توده های انقلابی خشمگین جنوب لبنان به او — پاسخ میدهم که جنوب لبنان آغوش باز و گشاده ای برای انقلاب فلسطین است• جنوب لبنان " کرامه " جدیدی درمنطقه عربی است • جنوب لبنان دیوار پاك بین صهیونیسم متجاوزو منطقه عرب نشین نیست بلکه گورستان مهاجمین، گورستان بیگن و گورستان خانواده و دارو دسته بیگن خواهد بود • از اینجا اهمیت مساله ای راکه حضرت امام موسی به من گوشزد نمود روشن میشودکه ، ازاول ماه رمضان درکنارماو درکنار نیروهای مادرجنوب لبنان ازتوطئه های دشمن و توطئه گران ، جلوگیری بعمل میآورند • توطئه درابتدا شکل سیاسی داشت ولی کم کم بصورت توطئه نظامی درآمد و همه ابعادآن تکمیل گردید • من باصراحت میگویم که باوجود چنین اراده های آهنینی که دراین تالاردربرابر

خودمی‌بینیم ، برای من مسلم است که توطئه بااراده مقاومتگرانه ، اراده مبارزه جویانه ، اراده سرسختانه شماوبالاخره باوحدت مستمروناگسستنی لبنان و فلسطین به اذن خدا درهم خواهدریخت.

این همبستگی و اتحاد ماست که توطئه های دشمن رانقش برآب خواهدکردو توطئه گران را مقهورخواهدساخت . این توطئه تاکنون بصورتهای مختلفی تدارک دیده شده ودرجاهای مختلف پیاده شده است . یکبار بصورت شهادت علی شریعتی و دیگرباربه شکل شهادت قهرمانان درجنوب لبنان و گاه به صورت کشتارورزمندگان در" یافا " و " غزه " پیاده شده است . درهرجاکه مجاهدین و مبارزین قدم نهاده اند این توطئه پشت سرشان کمین کرده است ولی مامعتقدیم که این توطئه هاهر اندازه بزرگ باشدو درهرگوشه جهان چه درشمال و چه درجنوب ، چه درغرب و چه درشرق چیده شودبدست مجاهدین و مبارزین درهم خواهد شکست ودرزیرپای مجاهدین و انقلابیون، خرد خواهدگردید . درزیر اراده " فتح " و " امل " نابودخواهد شد . مسا - درگذشته دست استمداد خودرادراز کرده و بازهم دراز خواهیم کردو بازهم میگوئیم که صفحه جدیدی درلبنان گشوده ایم ولی متاسفانه همانطوریکه میدانید بعضی ها درروزنامه ها ورادیوهایشان این صفحه جدید رابه مسخره گرفته اند . چرا ؟ چون اربابانشان از امپریالیستهاگرفته تاصهیونیستها نمی خواهند چنین صفحه ای دررابطهابا لبنان گشوده شود . آنهامیخواهند خونریزی همچنان ادامه یابد . همچنانکه حضرت امام موسی گفتندماد ستهایمان را بسوی هردست شرافتمندی که آن رابفشاردو باآن همبستگی وجوشش داشته باشد درازمیکنیم تالبنان نوینی بسازیم وفلسطینی آزادو آزاد شده خلق کنیم . بیش ازاین نمیخواهم‌سخنی بگویم تنهابااین جمله کلامم راپایان میدهم . انقلاب تاپیروزی

انقلاب تاپیروزی ، انقلاب تاپیروزی

پیام دوستان مجاهد بزرگ دکتر علی شریعتی

سلام و درود بی پایان به محمد سرور پیامبران و به اهل بیت و یارانش، پاکدلان و پاکان و به کلیه شهیدان بزرگ که باخون خودراه حق راگلگون ساختندتازمین راازننگ گردنکشان ولوث درخیمان پاک - کنند .

سرورم جناب آقای صدر رهبرو پیشوای شیعیان لبنان ووارثانقلاب جدت حسین (ع)!

رهبرقهرمان ابوعمار !

برادران عزیز ! شماکه اصالت خودرا نسبت باین امت حفظ کرده وپایه استوارآنراتشکیل میدهید ! ای رهروان راه حسین !

خانواده محترم مجاهد بزرگ دکتر علی شریعتی !

عقابی برفراز تپه ها میگذشت که ناگهان بازهای شکاری و تجاوزکار از هر سوگرد اورا احاطه کردند و براو نهیب زدند مبادااز اینجافراترروی که درآنجا بازهائی هستند زندگی را درتباهی گذرانده و دردلهاوحشت می افکنند . عقاب مدتی پلکهایش‌رواروی هم گذاشت توگوئی که تاکنون کلمه باز رانشنیده است آنرانادیده گرفت و همچنان پهنه آسمان رامیشکافت و نغمه ای میخواند : عقاب بودن نه بسیمای آراسته بلکه به عمق و معنی میباشدوچنانچه معنی و حقیقت آن به " شکل " تبدیل شوداین دیگرعقاب مسخ شده است نه خودآن . درهرحال عقاب بدون اعتنا و توجه به موانع برزمین دشمنت و ناگهان بازها و گرگان وحشی براو تاختند ، ولی بسیاری از آنهادربرابرش سرتسلیم فرودآورده و برخی هم از پادرآمدند .

شاهکاراین عقاب این بودکه پیش از بزمین نشستن ، نغمه ای در جان - افراد بی حرکت دمیده بود : درنسلهای آینده به ثبت خواهد رسید که دراینجا عقابی بابالهای بسته آرمیده است و نسلها خواهند گفت عقاب از میان مردمان رفت ولی بازان نتوانستند ستم رادرشکل عدالت و ذلت رادرصورت شرافت وآزادی را دریوشش قدرت طلبی وفزون خواهی و خوارکردن انسان را زیر لوای کرامت او جامعه عمل بپوشانند .

اینست ماجرای انقلابی که شریعتی شهیدآنرا پشت سرگذاشت و اینست سرگذشت حقایقی که او مایه حیات توده ها قرارداده بود آنهم درعصرکنونی که ناهنجاریها ، دردها ، ناگواریها ، ستمها و طغیانهای محیط تاریک ووحشتناک استبداد باوج خودرسیده بود هرفردی که دستش به دهانش میرسید ، دیگرانرا شکنجه میداد ، میکشت ، چپاول میکرد و مردم رابه وسیله زورو ارعاب سرکوب مینمود ، هرتاراجگری درصدد بود باکمک دیگرچپاولگران هستی مردم را ببلعد ، هرخونخواری گردن انقلابیون و بیگناهان رااز دم شمشیر می گذراند و هرآدم رذل وکودنی کاخ خودرا برجمجمه های اندیشمندان میساخت . دکترعلی شریعتی پیش از اینکه ازاین جهان چشم فروبندد و برجنازه اش نسیم خوشبوی شهادت بوزد ، رودروی جلادان فریادزد : "..... و اگرخفه ام کنند ، سازش نخواهم کردو حقیقت را قربانی مصلحت نمیکنم و اماآن قوم اگرموفق شوندکه مرابردارکشندو یاهمچون عین القضاة شمع آجین کنندو یامانند ژرژدانو درآتشم بسوزانند ، حسرت شنیدن یک آخ را بردلشان خواهم گذاشت ."

شریعتی همانند ستاره ای درفضای تاریک ایران درخشیدواین درست درزمانی بود که انقلابی بخاطر دفاع از مستضعفین و رنجدیدگان آغاز شده وخواری و ذلت همانند سمی مهلک گوشت و پوست نفرین شدگان زمین و آوارگان رامی سوزاند .

الاثنين ١٥ / ٨ / ١٩٧٧

النهار

الصدر: لا نقبل لبنان الا بلداً للوحدة والحريات

عرفات: الجنوب لن يكون جرحاً نازفاً

السفير

في اربعين رئيس حركة التحرر الايرانية

الصدر: لا نقبل لبنان الا بلداً للوحدة الوطنية

عرفات: التلاحم المسيحي - المسلم هو الذي يحمينا

في اربعين رئيس حركة التحرير الايرانية

ليون مؤامرتهم في الجنوب ليكون ...ا.. إن هذا الجرح لن يكون ...سيغن ومن يقف وراءه..

الانوار

احتفال تأبيني في العاملية

الصدر: المسلم والمسيحي في الجنوب يتعايشان منذ الف سنة

النداء

شمعون وفرنجية وبالفيل يتهمون زيارة دمشق بمهاجمة التحركات المشبوهة لقيادة المقاومة

شمعون: شريعتي شيوعي والاحتفال به يخلطنا وايران

بيرزن يستقبل سفير ايران

٢ ملايين من اليونيسيف للبنان

الاسعد يستقبل سفير ايران

العمل

في خدمة لبنان

يشرف على سياستها الشيخ بيار الجميل

AL-AMAL : QUOTIDIEN POLITIQUE PARLE-PARLOUK DU PARTI A.A.

من الكلية العاملية الى عاليه

الفلسطينيون يواصلون الممارسات الخاطئة من طريق التدخل بشؤون لبنان

ايران تحتج الى لبنان

وتستنكر مهرجان علي شريعتي

النهار

الخميس ١٨/٨/١٩٧٧

الحكومة الايرانية تجرد الصدر وعائلته من جوازات سفرهم الايرانية

L'Orient-LE JOUR

LE «FRONT

السفير

الجبهة اللبنانية تختلي ٣ ايام في اهدن في جو انفتاح الفلسطينيين والتهديد باجراءات

شمعون: تصريحات ابو عمار والصدر لا تشجع

خلوة لـ الجبهة اللبنانية في إهدن

شمعون: ما زلنا ننتظر التنفيذ لكن ما نسمعه لا يشجع على التفاؤل

وفا

وكالة الأنباء الفلسطينية

WAFA PALESTINE NEWS AGENCY

النهار

الجمعة ٤ رمضان ١٣٩٧ الموافق ١٩ آب ١٩٧٧

أمل ورسالة

المحرومين مهرجان شريعتي

حركة المحرومين تردّ على منتقدي مهرجان شريعتي

علي شريعتي راجعوا مؤلفاته قبل ... اتهامه!

الإمام يقول: نكرّم علي شريعتي لأننا نعتبره تجسيداً لأصالة الفكر الثوري

حملات تشويه في الجنوب

فلسطين الثورة

الصدر: واشنطن تضغط على اسرائيل بناء لطلب الحكومة اللبنانية

بيان "حركة المحرومين" عن "ذكرى شريعتي"

يمكن ان يقبل سحب الفلسطينيين خارج لبنان

محیط نمناک سیاهچالهاو شکنجه گاهها برآنان تنگ آمده و رژیم دست نشانده آنچنان توده های ستمکش را طرد نموده بودکه درجامعه کوچکترین ارزشی نداشتند ، لذا همین توده های محروم و بی پناه درصف نخستین دوستان و یاران شریعتی قرارگرفتند .

ای انقلابی الهام بخش و الهامگیر باتواز دشتها میگذرم، باتوشعله عشق و انقلاب را برمیافروزم و درتاریخ پر تلاطم ستمها و تجاوزها واردمی گردم، باتودر دریای فقرو محرومیت شنامی کنم تاباهم دراین دوران پستیها و رذالتها دراین "کویر" به پاره های کشتی حیات آویزان شویم و از توجانبازی وفداکاری را بیاموزم خودرا تنها رهاکنم تابارنج و اندوه بمیرم . چرا ؟ برای اینکه درمسجد اقصی و در بیت المقدس نماز عید و نماز بازگشت بگذارم ، از باغهای " خلیل " پرتقالی بخورم ، برسرزمین خونین فلسطین فرودآیم و پرچم صهیونیسم را واژگون سازم ، آنگاه براه خودادامه دهم تاعلی رادرنخلستانهای کوفه بیابم و برای او سرود پیروزی و بازگشت بخوانم و اورابر لب چاه مدینه ملاقات کنم ، شاید چاه رنجها و دردهای علی رابرایم بازگوید ، سپس باهم بسوی کاخ کسری درمدائن رهسپارشویم تامظالم پادشاهان وجباران رامشاهده نمائیم ، از آنجاراهی اهرام شویم تاشنهای آن سرزمین سرگذشت کارگران و بردگان راکه زیرسنگهای اهرام آرمیده اند ، بازگوکند ، استخوانهای آنان را نشان داده و انگشت اتهام برسردژخیمان بگذارد بگونه ای که خود جمجمه ها فریاد برآورند این جلادین هستندکه پیوسته روی تاریخ راسیاه میکنند . آنگاه به ساختمان وخانه بلعم قدم گذاریم که توده های مردم رابه عبادت طاغوتی وادارنموده و خیرات آسمانی رابه بهای دختران و سفره های رنگین ثروتمندان و زراندوزان فروخته است ، فاتزویر و نیرنگ رادرشکل عبادت وپرستش

شرك آلود شروســـواسازیم و تو بانگ زنی :وقتی درصحنه حق و باطل نیستی ، وقتی‌که شاهد عصرخودت و شهید حق و باطل جامعات نیستی ، هرکجاکه خواهی باش، چه بنماز ایستاده باشی ، چه به شراب ، هردویکی است و بزبـــان محرومین تاریخ ندا دردهی‌که فریادو آه آنان از حلقوم‌تودرگوش‌من طنیـــن افکند ، آری ندا دردهی که راه خدا و مردم یکی‌است و خدامنهای مردم ـ رهبانیت‌ودریوزه‌گـــی است‌و نه اسلام راستین •

ای شهید بزرگوارمن !تو برضد استعمـــار و استعمادو استثمار برمیخیزم تاپرده جهل رابدریم و غباراز روی آن برطرف سازیـــم ، زنجیر رکودو سکون و انزواطلبی را بگسلیم و درخیمان فرعون و قارون و بلعم رانابودکنیم •

توپرچم انقلاب‌علی را بردوش‌کشیدی و چهره حقیقی آنرابه فقراو بیچارگان ـ شناساندی ، آنرا به کوچه و بازاربردی تو سیمای تابناك‌اسلام را بمسلمانـــان نمایاندی و آنانرااز حقایق آگاه کردی از اینرو چشمان عناصر"کلاش"و راحت طلب ، که درآستانه اربابان جیره خوارشان زانوزده و براتحاد ننگین و پلید خداوندان زور زور رضایت داده بودند ، برتوخیره شدواین داعیان علـــم و امانتداران رسالت که غرق درلجنزارزندگی دنیا گشته بودند ، برخاسته و ترا آماج تکفیرها وتهمتهای خودقراردادند همانگونه که روشنفکر مآبهای غربزده این مدعیان ترقی و پیشرفت باسلاح ارتجاع و تشکیك به جنگ توآمدندو اینك این رژیم تبهکار است که برضدتو بپامیخیزد چه اینکه :برای اودردآوراست که ببیند توهمانند ستاره فروزان درافق فروغ میبخشی و مایه حیات توده های زحمتکش میگردی و موج اندیشه هایت فضای تاریك رعب افزای ایران‌را می شکافـــد و مستضعفین‌از هرطرف بسوی تو میشتابند • رژیـــم خوانخواراز آن بیم داشت که تخت و تاجش یکباره فروریزدو زندگی ننگینش پایان یابد ، لـــذا جنایتی دیگر بـــر-

جنایتهای خودافـــزودو مغزاندیشمندی رانابودکرد •

ولی کاراز کارگذشته بودوتو غبارجهل ووسوسه از چهره انقلاب‌اسلام شسته برای مردم از دینی سخن گفته بودی‌که برمردم‌مسلمان واجب‌میداشت درمبارزه درازمدت وجنگ رهائی‌بخش‌شرکت جویندو تو خاطرنشان ساخته بودی کـــه جامعه بشری بایدبرضد ستم ، ذلت‌وخواری برخیزد و رسالت سنگین حق و- عدالت و پرچم حسین را بردوش‌کشد ، ازاین رو انبوه ستمدیدگان و محرومیـــن گردت جمع‌گشته و نبردآزادیبخش‌آغاز شد ،برخـــی شربت شهادت نوشیدنـــد و بسیاری دیگردرانتظاربسرمی برند ، درجنوب لبنان ، درسرزمین فلسطیـــن و ایران زندان بزرگ تو و همرزمان تو همانجاکه دریچه ای از ایمان وآزادی ـ برایشان گشودی تاانسانها باکابوس‌فقر در افتندو اوضاع نکبت بار اجتماعـــی را درهم ریخته راهی بسوی آینده بگشایندوسرانجام اتحاد ننگین امپریالیستهـــا و صهیونیستها ، آفرینندگان محرومیت و خشونت رابه تفرقه کشانند •

ای اندیشمند انقلابی مسئول و متعهـــد ! تو بینش سیاسی و نغمه الهی رادرهم آمیختی و افقهای تازه ای جهت شناختن خدادرمتن جریانهای‌اجتماعی گشـــودی •

سرورعزیزم تو از آن پیشتازان و رهبرانی بودی که تاریخ رامیسازندتادرآن انسان مبارزی بیافرینند که به زندگی مادی پشت‌کرده به زیستن باتوده مردم خوگیردو باستم بجنگ برخیزدوبه مردمان ثابت‌کند وظیفه دینی شما ایجـــاب می‌کند درراه نجات انسانها هرنوع شکنجه ، دردو رنجی را تحمل نمائید •

ای شهید عالیقدر ! بزرگداشت‌تو دراین است‌که از اندیشه هایت الهام‌بگیریم و براه مقدسمان درلبنان و فلسطین اشغال شده ادامه دهیم • در- شرکت مادرسوك توهمین بس‌که اکنون روزهای سیاه و تلخی رامیگذرانیم ،روزهائی

که ستمگران و تجاوزکاران و نوکران حلقه بگوش استعمارپنجه درگلوی ملت رنجدیده فلسطین افکنده و هرچه بیشترمی فشارند شاید آنان راازپای درآورند و به نالهدبی حرکتی تبدیل سازندو ازاین رهگذرراه حلهای ذلت آورخود رابرمردم فلسطین و لبنان تحمیل کنند .

لیکن دراین شب تاریک اندیشه های توهمانند خورشیدمی درخشد و به همه ستاره هانورمی بخشد و محرومین درهرکوه ودشتی که هستندباچهره‌ای باز و خندان می خروشندتامشعل انقلاب رابه اهتزاز درآورند و باخون خود سطور تاریخ را بنویسندو باتوآنگونه پیمان بندندکه یاران حسین (ع) باا وپیمان بسته اند چه اینکه انقلابی که تو پرچمترا برافراشتی همچنان ادامه خواهدیافت تا آنگاه که زمین از وجود ستمگران و جلادان پاک گردد .

ای مجاهد شهید ، مایادتورا بزرگ میداریم و دربرابرپیکره بی جانت ادای احترام و تعظیم می کنیم و این از آن روست که می بینیم جسم آرام تو ازهر زنده ای پرتحرک تراست . چراکه دنیائی از غم و اندوه و دریائی از حزن و تاریخی پراز ستم و تجاوز آنرافراگرفته است .

ای پیوسته به انقلاب حسین (ع) و پروردگارحسین ع ! ای پناهگاه فقرا و انقلابیون : بنام تو مبارزه را آغاز میکنیم ، باسم تو راهمان رامی پیمائیم و بیادتو پرچم جهادرا تارسیدن به پیروزی و یا شهادت سربلندو سرافراز نگهمیداریم ، مابنام انبوه گرسنگان ، مردمان عریان ، یتیمان و انقلابیون راه مقدس و پاکی روح جاویدت را زنده میداریم ، توآسوده درکنار صدیقین و پاکان بیارام .

سخنرانی احسان فرزند دکتر شریعتی

بسم الله قاصم الجبارین

بنام خداوند درهم کوبنده ستمگران . "جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا" اسلام دینی بود که با "نه" محمد (ص) آغاز گردید و تشیع مذهبی که با "نه" علی . "نه" یعنی نفی قدرتهای طاغوتی حاکم برزمان ، یعنی مبارزه بی وقفه حق علیه باطل درعرصه تاریخ یعنی جهاد بحق نیروهای توحیدی برعلیه نیروهای باطل مسلح ، یعنی در مقابل سیطره زرمندان و زورگویان و تزویرگرایان برای درهم کوبیدن استعمار و استبداد و استثمار ، سر را به علامت نفی برافراشتن و توده های مستضعف را به قیام خواندن وشهادت را باآغوش بازپذیرفتن ودرعرصه کارزار و مستمر برعلیه صهیونیسم ، امپریالیسم و ارتجاع جهاد کردن . " فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیما "

امروزکه پدرم درراه تحقق جامعه توحیدی براساس کتاب ، " ایدئولوژی ، ترازو ، عدالت ، آهن (قدرت اقتصادی و نظامی) همانگونه که قرآن میگوید : " انا ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه باس شدید و منافع للناس " وبه قیام خواندن خلق به عدالت ووحدت توده های مسلمان و بسیج آنها به سلاح ایدئولوژی انقلابی اسلام برعلیه امپریالیسم آمریکائی و صهیونیسم اسرائیلی و استثمار اقتصادی ودرراه پیوند دادن شیعیان متعهد ایران و جنبشرهائی بخش فلسطین وکلیه حرکتهای آزادیبخش اسلامی جهان بشهادت رسیده است ، ازکلیه نمایندگان نهضتهای انقلابی اسلامی و تمامی مومنان مسئول حاضر درجلسه ، بالاخص ازحضور رهبر انقلابی خلق مسلمان فلسطین حضرت ابوعمار وجناب امام صدر که آمده اند تا ندای آن شهید شاهد را پاسخ دهند ازطرف خانواده شریعتی سپاسگزاری میکنم .

"وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون"

انعکاس مجلس یادبود دکتر شریعتی در روزنامه ها ومطبوعات لبنان

بزرگداشت شهید دکتر علی شریعتی از جانب سازمانهای انقلابی و سیاسی و برگزاری مجلس یادبود چهلمین روز شهادتش، در بیروت انعکاس گسترده ای در مطبوعات لبنان داشت وباواکنشهای گوناگون محافل مترقی وارتجاعی روبرو گردید نگاهی کوتاه به روزنامه های بیروت بخوبی این حقیقت را روشن میسازد که عوامل ارتجاع منطقه و فاشیستهای دست راستی لبنان تاچه اندازه از همبستگی نیروهای فلسطینی و انقلابی با انقلابیون ایران به وحشت افتاده و بارژیم دست نشانده شاه جنایتکار همکاری میکنند • اکنون به بررسی چند نمونه از روزنامه های بیروت میپردازیم •

روزنامه "النهار" درتاریخ ۱۵ اوت ۷۷چنین مینویسد :

"مجلس یادبود چهلمین روز درگذشت دکتر علی شریعتی یکی از برجسته ترین اعضای جنبش ملی آزادیبخش ایران به تظاهرات سیاسی عظیمی درمورد جنوب لبنان تبدیل گردید • دراین مجلس که درتالار دبیرستان عاملیه برگزارگردید گروهها و هیاتهای مختلفی از جنوب و شمال لبنان و بیروت شرکت کرده بودند و امام موسی صدر رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان و آقای یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین دوستاره درخشان این محفل بودند" این روزنامه آنگاه فرازهائی از سخنرانی آقای صدر و آقای یاسرعرفات ودیگر سخنرانان رانقل کرده و عکسهائی از این مجلس رادرصفحه اول آن به چاپ رسانیده است•

روزنامه " فلسطین الثوره " ارگان سازمان آزادیبخش فلسطین در ۱۵ اوت ۷۷ چنین مینویسد :

"برادر ابوعمار (یاسر عرفات) ، رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین و فرمانده کل نیروهای انقلابفلسطین درمجلس یادبود شهادت مبارز ایرانی علی شریعتی شرکت جست • برادر ابوعمارکه ازجانب انقلابیون ایران باین محفل دعوت شده بود درسخنرانی خود باین مناسبت ، باردیگر برتصمیم انقلاب فلسطین به ادامه مبارزه بخاطر آزادی میهن تاکیدکردو همبستگی انقلاب فلسطین را با کلیه جنبشهای آزادیبخش ملی عربی و جهانی یادآورشد •"

روزنامه مترقی " السفیر" درهمین تاریخ گزارش مفصلی باعکسهای زنده ازاین مجلس بچاپ رسانیده و بخش مهمی از سخنرانی آقای صدر و یاسرعرفات رامنتشرکرد •

همچنین **روزنامه " الانوار "** درتاریخ ۱۵ اوت ۷۷چنین نوشت :

" دیروز صبح ، مجلس یادبودی به مناسبت چهلمین روزدرگذشت دانشمند ایرانی دکترعلی شریعتی یکی از رهبران فکری اسلامی و یکی از برجسته ترین متفکرین خاورمیانه ، درتالار دبیرستان عاملیه برگزارگردید • دراین محفل حضرت امام موسی صدر و آقای یاسر عرفات وگروه کثیری از روحانیون ، سیاستمداران و اندیشمندان شرکت داشتند • " این روزنامه سپس فرازهائی از سخنان آقای صدر و یاسرعرفات رابه چاپ رسانیده است •

ازتاریخ ۱۶ اوت و ۷۷ روزنامه " فلسطین الثورة " گزارش مفصلی از این محفل راهمراه با عکسهای زنده ای از آن منتشر ساخته وخبرگزاری فلسطین عین همین گزارش را به مراکز خبری جهان مخابره کرده است •

پس از انتشارخبربرگزاری این محفل دربیروت ، محافل ارتجاعی لبنان به تحریک

رژیم ایران آغاز کرد مشکلات دیپلماتیک جدیدی را درروابط دولت لبنـــان با ایران بوجود آورده است •

این روزنامه آنگاه میافزاید :

" دیروزکشف شدکه سفیـر ایران درلبنان ، اعتراض‌نامه ای را به این‌مناسبت به وزارت امورخارجه لبنان تسلیم‌کرده است • این محفل به مناسبت یادبـود درگذشت یکی ازدست چپی های ایران است که مدتها قبل درایران محاکمـــه شده است • زیانهائی که دراثراین گونه حملات به منافع‌لبنانیها ودولـت‌ـ لبنان واردمیشود به امام موسی صدرگزارش‌شده است بویژه اینکه لبنان دراین روزها ایام نقاهت را میگذراندو نیاز به حفظ روابط حسنه خودباکشورهـــای برادرودوست دارد • همچنانکه علاقه مندا‌ست تاهرگونه کوششی رادرتحکیـم این روابط مبذول دارد زیرا هرگونه ضرری که دراثرتیرگی‌این روابط به منافـع لبنانیها بخورد بدون استثناءهمه مردم لبنان رادربرمیگیرد • "

این‌روزنامه سپس‌می افزاید برگزاری اینگونه مجالس‌که درآن‌بروابط لبنـــان بادیگرکشورهاازجمله ایران لطمه واردمیشود از سوی رهبران دینی و مذهبی برگزارمیشودو نیازی به اجازه رسمی از دولت و دستگاههای اداری ندارد و ـ اینگونه افرادلزوماً باید بیشتاز حفظ مصالح لبنان و روابط دوستانه آن باشندو دربسیاری از موارد حملات رهبران مذهبی منافع لبنان رابه خطر انداخته است سئوالی‌که ناظران سیاسی دیروزمطرح ساخته اند اینست‌که چرا آقای یاسرعرفات رئیس‌کمیته اجـرائی سازمان آزادیبخش فلسطین دراین محفل حضوریافته است آنهم درشرایطی‌که روابط لبنان و فلسطین بااجرای تدریجی موافقتنامه قاهـره روبه بهبودمیرود ؟ وآیا شرکت آقای عرفات دراینگونه مجالس‌نشان‌دهنده تعهد فلسطینیهـا به تطبیق مقررات این موافقتنامه است و یازیرپاگذاشتن تعهدآنها

مبنی برعدم دخالت درامورداخلی لبنـان محسوب میشود • ؟

پاسخ باین سـوال اینست‌که :

سخنانیکه در" عاملیه " درحضورآقای عرفات‌گفته شده که بیشترآن‌حمله به رژیم ایران بوده است‌نشانه ادامه دخالت‌فلسطینی هادرامور داخلی لبنان‌می‌باشد ناظران، شرکت فلسطینیهارادراین محفل دلیل زیرپاگذاشتن موافقتنامه"اشتوره " مبنی برعدم دخالت‌مطلق درامورداخلی لبنان میدانند •

روزنامـه" العمل "درهمین شماره به دیدارسفیرایران منصورقدراز وزیر خارجـه لبنان اشاره میکندکه خودنشانه طرحریزی مشترک برای ادامه توطئه درلبنـان میباشد • این روزنامه همچنین عکس‌دیدارسفیر ایران را ازکامل اسعد رئیـس ـ مجلس‌نمایندگان لبنان درهمان روز منتشرساخته است• به نوشته این روزنامـه و روزنامه النهار"کامیل شمعون" رهبرفاشیستهای لبنان درمورد دکترعلی شریعتی اظهارمیدارد :دیروزاطلاع یافتم‌که حضرت امام موسی صدردرمجلس‌یادبـــود ـ کمونیست معروف‌ایران سخنانی را ایرادکرده است •

روزنامه"النهار" سپس‌میافزاید :

" منابع امام موسی صدر درپاسخ گفتارورئیس‌کامیل شمعون مبنی برآنکه دکتـــر شریعتی‌کمونیست است‌توضیح داده اندکه :

" او نه کمونیست‌بود ، نه چپ‌گرا و نه باکفر هیچگونه نزدیکی داشت• در ـ شخصیت او همین بس‌که ۱۵۰ کتاب " اسلامی"درزمینه مسائل مکتبی‌و تربیتـی و اخلاقی تالیف‌کرده است• " (النهـــار ۱۷ اوت ۷۷)

درروز ۱۹ اوت ۷۷ کلیه روزنامه های بیروت جریان تجمع سری دست راستیها را در " اهدن " نقل کرده و درضمن با کامیل شمعون مصاحبه ای بعمل آورده اند شمعون دراین مصاحبه درزمینه مسائـل مختلفی از جمله مجلس‌ترحیم شریعتی

وامام موسی صدر اظهار نظر کرده و به شدت به آن حمله کرده است •
روزنامه "الاحرار" ، ارگان حزب فاشیست احرار به رهبری "کامیل شمعون" در شماره ۳۲۱ خود چنین مینویسد :
"پس از پایان اجتماع محرمانه چند روزه از آقای شمعون سؤال شد : اطلاعات شما در مورد اوضاع جنوب لبنان چگونه است ؟ او در پاسخ اظهار داشت : تا کنون موافقت نامه های امنیتی اجرا نشده است و ما منتظر اجرای آن هستیم اظهاراتی را که از ابوعمار و ابوایاد وامام موسی صدر می شنویم متاسفانه مایه خوشبینی نیست • سپس از او سؤال شد : محافل امام موسی صدر میگویند که دکتر شریعتی کمونیست نبوده است • پاسخ داد : او کمونیست بوده است آنهم کمونیست دوآتشه ! اینگونه فعالیتها موجب ایجاد اختلاف در روابط ما با دولت برادر ، ایران میگردد • آنگاه شمعون پرسید : چه انگیزه ای در پشت این جریانها وجود دارد ؟ این شخصیت بزرگی که برای او مجلس یادبود برگزار کرده اند کیست؟ و چه ربطی به لبنان دارد ؟چرا در لبنان مجلس یادبود اورا برگزار کرده اند و نه در هیچ کشور دیگر؟ بروند جای دیگری مجلس بگیرند • این شخص(دکتر شریعتی) نه لبنانی است ونه هیچ ربطی با لبنان دارد • پس چرا در اینجا مجلس ترتیب داده اند ؟ آیا این مبارزه جوئی در برابر یک کشور دوست است؟ ویا به مبارزه طلبیدن توده عظیم مردم لبنان است ؟ شمعون آنگاه اضافه کرد : هدف اصلی از برگزاری این محفل ایجاد اختلاف در روابط دو کشور است •"
متن این مصاحبه را همچنین روزنامه های" العمل" ، ارگان فالانژیستهای لبنان ، النهار، الانوار، فلسطین الثورة ، السفیر، النداء، البیرق و روزنامه فرانسوی زبان لوریان لوژور به تفصیل منتشر ساخته اند •

روزنامه "الاحرار" در همین شماره (۱۹ اوت۷۷) چنین مینویسد :
" آنچه راکه آقای شمعون از آن بیم داشت بالاخره بوقوع پیوست و ایران به خاطر برگزاری مجلس یادبود دکتر علی شریعتی کمونیست درلبنان در اوائل هفته گذشته ، به دولت لبنان اعتراض نمود • روزنامه الاحرار کسب اطلاع نمود که سفیر ایران در لبنان آقای منصورقدر پیروز ضمن دیدار از وزیر امور خارجه اعتراض شدیداللحنی را به خاطر برگزاری مجلس بزرگداشت علی شریعتی کمونیست و سخنرانیهای خصمانه ای که به این مناسبت و به منظور برهم زدن روابط دوستانه ایران ولبنان ایراد گردیده است به وزیر امور خارجه تسلیم کرد سفیر ایران در مورد اجازه دادن دولت لبنان به برگزاری چنین محفلی و نیز ایراد سخنرانیهای خصمانه وتحریک‌آمیز توضیح خواستو سپس با کامل اسعد رئیس مجلس نمایندگان ملاقات نمود • مجلس یادبود شریعتی با حضور ابوعمار و آقای موسی صدر و چند تن از مسئولان کمونیست برگزارشد و سخنرانیهائی در آن ایراد گردید که موجب برانگیختن حساسیت هائی در روابط لبنان وایران گردید •"
روزنامه فلسطین الثورة ، درتاریخ ۲۱ اوت ۱۹۷۷ نوشت:
" امروز در پاسخ اظهاراتی که در مورد مجلس یادبود دکتر علی شریعتی در روزنامه ها منتشر شده است بیانیه ای از طرف "حرکت المحرومین" صادر شده است • مسئولان حرکت المحرومین توضیح داده اند که این بیانیه در پاسخ اعلامیه جبهه لبنانی (دست راستیها) و بخصوص اظهارات اخیر کامیل شمعون میباشد • لازم به تذکر است که شمعون در این مصاحبه اش مسائلی را درباره برادرمان ابو عمار و امام موسی صدر گفته است که تنها شایسته سیاستمدارانی چون او است که رابطه ارگانیک با صهیونیسم دارند • مخفی نماند

که واکنش نیروهای ارتجاعی دربرابرحضورابوعمارو امام موسی صدر دراین مجلس بسیارشدید بوده بطوریکه دستگاههای تبلیغاتی دست راستیها حملات نیرومندی رابرضد امام صدر آغاز کرده اند •

درتاریخ ۲۲ اوت ۷۷ بیشتروزنامه های بیروت مصاحبه " دوری شمعون " دبیر کل حزب فاشیست " احرار" را منتشرساخته • فرزند خلف کامیل شمعون در- این اظهارات به شدت به فلسطینیها حمله کرده و اظهارداشت تایک فلسطینی مسلح درسرزمین لبنان وجود داشته باشد هیچگونه تفاهمی باآنها معنی ندارد وقتی از او سئوال شدعقیده شماراجع به سخنرانی اخیر امام موسی صدر درعاملیه چیست ، پاسخ داد ، دوست داشتم که حضرت امام موسی صدر بعنوان رهبر شیعیان لبنان فقط به امورمردم شیعه و مشکلات بیشمارآنان بپردازد • شیعیان لبنان به کمکها ورهنمودهای اونیازشدیدی دارند •

روزنامه های الانوار ، السفیر ، الاحرار و البیرق همگی متن مصاحبه دوری شمعون رابطورکامل منتشر ساخته اند همچنین روزنامه های السفیر النهار و الانوارگوشه هائی از بیانیه حرکت المحرومین راکه دستگاه سانسور مطبوعات لبنان اجازه داده است درتاریخ ۲۲اوت۷۷ بچاپ رسانده اند •

روزنامه " البیرق " درهمین شماره اظهارات دکتر" ابراهیم شعیتو" وزیر منابع آب وبرق رانقل کرده و چنین مینویسد :

" ... شعیتو درمورد جارو جنجال و سروصدائی که درزمینه برگزاری مجلس یادبود دکترعلی شریعتی برپا شده است اظهارداشت که روابط بین ما و ایران همواره روابط دوستانه و صمیمانه بوده است و ماخواهان بقاءوادامه این روابط بوده و نمیخواهیم چیزی موجب تیرگی این روابط گردد •"

همچنین روزنامه های الانوار ، الاحرارو السفیر متن کامل اظهارات شعیتو رادر

این مورد منتشرساخته اند •

روزنامه " العمل "ارگان فالانژیستهای لبنان درتاریخ (۲۲اوت ۱۹۷۷) ضمن ابراز نگرانی ازحوادثی که درمنطقه میگذرد ، ابرازمیدارد : " تصادفی نیست اگرمی بینیم کمونیستهای محلی باهمدستی با کمونیستهای بین المللی برای دکتر شریعتی کمونیست مجلس یادبود برگزارمی کنند آنهاچرا لبنان رابرای این کار انتخاب کرده اند ؟ "

مجله هفتگی " الحوادث " چاپ بیروت درشماره اخیرخود (۲سپتامبر۱۹۷۷) مصاحبه ای باآقای صدر بعمل آورده است که ماقسمتی از آن رانقل میکنیم :

خبرنگارالحوادث دراین مصاحبه میپرسد : "مقاومت فلسطینی بادکترشریعتی چه رابطه ای داردکه درمجلس یادبود ش شرکت میکندو پوسترهائی راچاپ و پخش میکندکه درآن از دکترشریعتی به عنوان شهید انقلاب فلسطین، انقلابیون آزاده ایران یاد شده است؟ "

آقای صدر درپاسخ اظهارمیدارد : "دکترشریعتی ازهفت سال پیش فعالیتهایش رادرفرانسه و تهران درجهت پشتیبانی از انقلاب فلسطین آغازکرد بطوریکه محفل متعصب ایران اورامتهم کردندکه به سنی گری گرایش پیداکرده همانگونه که درمحافل دست راستی متهم شدکه چپ گرابوده است بااینکه اودر زمینه شناخت اسلام متخصص ونسبت به احکام و قوانین آن متعهد بود •از ۵سال پیش باینطرف انجمنهائی درشهرهای مختلف جهان تاسیس شده که دانشجویان مسلمان درآنها فعالیت داشته واز نظرفرهنگی و فکری بادکترشریعتی درارتباط بودند •همچنین موسساتی بوجودآمده که بامقاومت فلسطین همکاری نزدیک دارند • برخی ازآنها مجلاتی رادرآلمان منتشرمیکنند ازجمله مجله "قدس" ومجموعه " کرامه "که روابط مستحکمی بامقاومت فلسطین دارند ، وهیچکدام ازاین امورآنطورکه تصورمیشود ناگهانی وتصادفی نبوده است • "

از آنجاکه مجلس بزرگداشت شهید دکترعلی شریعتی نشانه بارزی از همبستگی نیروهای مترقی اسلامی درمنطقه بود جناحهای ارتجاعی لبنان و کارگزاران استعماربه تحریك رژیم ایران و سازمانهای جاسوسی بین المللی به حرکت درآمده و شروع به لجن پراکنی کردند .

اعلامیه زیر پاسخی است به یاوه های پوچ کامیل شمعون رهبر فاشیستهای لبنان و مشت محکمی است بدهان مزدوران امنیتی ایران که منافع خودرا درخطر دیده و تحریکات جدیدی رابرضد نیروهای مترقی آغاز کرده بودند .

اعلامیه حرکت المحرومین

مجلس یادبودی که روز یکشنبه گذشته ازطرف ۱۹ سازمان انقلابی جهان به مناسبت چهلمین روز درگذشت علامه مبارز علی شریعتی برگزارشد مورد تفسیرهای گوناگون قرارگرفته ودرطول یکهفته گذشته باواکنشهای مختلفی روبروشده است . مسئولیت ملی بزرگی که حرکت المحرومین درلبنان دارد باتوجه باینکه خودیکی از سازمانهای برگزارکننده این محفل بوده است ایجاب میکندکه حقایق زیر رابه اطلاع عموم برساند :

اولاً : تفسیر نادرست از شرکت آقای یاسرعرفات رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین ورهبر انقلاب فلسطین و از سخنرانی او دراین محفل ودرنتیجه سوء استفاده ازآن به عنوان دخالت درامورلبنان و نقض موافقتنامه "اشتوره" قابل درنگ وتامل است . سازمان فتح باین خاطردراین محفل شرکت جستکه آن مرحوم یکی از کسانی بودکه خدمات بزرگی نسبت به ملت فلسطین کرده بود همچنانکه یکی از پشتیبانان انقلاب الجزائر واز مجاهدین درصفوفاین انقلاب بودعلاوه

اویکی از رهبران فکری اصیل و مبارزشرق بشمارمیآمد •
شرکت برادرمان ابوعمار(یاسرعرفات) و تجلیل او ازآن مرحوم نشانگر وفـــاداری انقلاب فلسطین نسبت باین شخصیت و سپاسگزاری از خدمات ارزنده ای بـــود که درراه مسائـــل عادلانه اعراب کرده بود •

گفتارابوعمارد راین جلسه درزمینه بازگشت به وحدت ملی وگشودن صفحـــه جدیدی درلبنان و تعهدکامل نسبت به مصالح مردم جنوب بود اگرچه ایـــن دعوت برای بعضی هاخوشایندنیست • ابوعمارد رسخنرانی خودعلاوه برتجلیل ازمقام آن مرحوم بعنوان یك مبارز فلسطینی به تهدیدات نخست وزیر اسرائیـــل (بیگن) وبخصوص تهدیداونسبت به انقلاب فلسطین وشخص ابوعمار اشاره کـــرد • ودرپاسخ به این تهدیداظهارداشتکه کلیه مردم لبنان وبویژه مردم جنوب از- انقلاب فلسطین بدفاع برخاسته واز انقلابیون فلسطینی دفاع میکنند و هرگز بـــه بیگن تروریست اجازه نخواهند دادکه باردیگرهدفهـــای تروریستی اشرا جامـــه عمل بپوشاند • ابوعمارد رپاسخ اظهارات دولت اسرائیل که سرزمینهای اشغالی راسرزمینهای آزاد شده دانسته بود اضافه کرد که این سرزمین مقدس فعـــلاً آزاد شده است ولی بوسیله شمامردم جنوب و به مقاومت شمادربرابرد شمن وتاییـــد وپشتیبانی شمااز سلاح انقلابیون فلسطین درداخل وخارج فلسطین • بنابرایـــن دراین سخنرانی نه تنها هیچگونه دخالتی درامورلبنان نشده است بلکه مسأله درست برعکس است • بهمین دلیل حرکت المحرومین اینگونه واکنشهای تب آلـــود وبیمارگونه راکه به مسائل پوچ وبی اساس استناد کرده و مدعی عدم اجـــرای موافقتنامه "اشتوره"میشود بعنوان بهانه ای برای شانه خالی کردن ازاجرای- تعهدات و عدم پشتیبانی از مقامات ملی لبنان دراجرای وظائف ومسئولیتهایشان تلقی میکنـــد تادرنتیجه دولت ضعیف بوده و نتواند جای مسلحین رابگیـــرد •

اما موضع حرکت المحرومین نسبت به مقاومت فلسطین چه پیش از جنگ داخلی وچه در دوران جنگ و بخصوص پس از صدور منشور قانون اساسی موضع ملی شناخته شده و شرافتمندانه ایستومبتنی برعلاقه شدید و فداکاری درراه - مصالح لبنان و پشتیبانی و حمایت از انقلاب فلسطین میباشد و این حرکت نمیتواند علیرغم همه تعهدات ملی اش وفاداری مطلق نسبت به لبنان رااز هیچکس - بپذیرد وکلیه فعالیتهایش از آغاز تاسیس تاکنون بدون استثناء یاانحراف ازاین مبداء برهمین اساس بوده است •

و بازبهمین دلیل استکه حرکت المحرومین درموقعیت گفتگوهائی که بمنظوراجرای موافقتنامه قاهره و عقب نشینی فلسطینیها به منظورجایگزین شدن ارتش لبنان درجنوب بین مقامات مسئول صورت گرفته ، شرکت فعال کرده است•

ثانیاً : مامعتقد بودیم که دوران تکفیروتحریم ساختن وبیرون راندن مردم از- دین بطورباز گشت ناپذیری سپری شده ومیدانستیم که در قرون وسطی تنها رهبران دینی بودندکه بطورمعمول فرزندان معنوی خودرا تکفیر میکردند اما اینکه یك رهبر سیاسی متعرض یك عالم بزرگ دینی بشود و بدون آنکه همسلك وهم کیش اوباشد اورا تکفیرکند چیزی استکه درلبنان آنهم درپایان قرن بیستم مشاهده میکنیم آنچه بخصوص شگفت انگیز است اینکه این تکفیرکنندگان حتی یك سطر از کتابهای اورانخوانده و کلمه ای از سخنانش را نشنیده اند •

ثالثاً : دکترشریعتی یکی از بزرگترین متخصصین جامعه شناس مذهبی و دارای مکتب فکری اسلامی شناخته شده ای است و بیش از ۱۵۰/ جلدکتاب و سخنرانی درمسائل اسلامی از خود بجای گذاشته و بهمین جهت در ردیف معروفترین نویسندگان مسلمان جهان قرارگرفته است • اودر ایجاد و ساختن نسل جدیدو گسترده ای از روشنفکران باایمان و مبارز وتایید انقلابهای عادلانه

اعراب وبویژه انقلاب الجزائر و فلسطین و ایتره نقش موثری ایفا کرد • امتیاز مکتب فکری اواصالت آن وجدائیش از مکتبهای غربی و شرقی بویژه مارکسیسم بود که سخنرانیهای متعددی دردآن ایرادکرد •

همین اندازه افتخاربرای این شخصیت کفایت میکندکه ۱۹ سازمان مبارز و جنبش آزادیبخش برای اولین بار در جهان به منظور تجلیل از مقام او مجلس یادبودی برگزار کردند ودربین همه آنهاحتی یك سازمان غیر مذهبی نمی بینید • حتی روزنامه های بزرگ ایران خبردرگذشت اووفشرده زندگی و برخی ازآثارش را منتشر ساخته و مرگ اوراخسارت قرن معاصر دانستند • درواقع کاملاً روشن بود که هیچ عالم دینی چه مسلمان و چه مسیحی اورا متهم به کمونیست بودن نکرده است بااینکه اختلافات فکری زیادی بین آن مرحوم و روحانیون وجود داشت و- حرکت المحرومین باآنکه اورایکی از منابع بزرگ فرهنگی خودمیدانست باوجود این چنین اختلافی رااعلام کرده بود •

رابعاً : مابخوبی میدانیم که اینگونه اطلاعات مغرضانه و اتهاماتی راکه از زبان برخی ازمحافل مشخص لبنان شنیده میشود ثمره تلاش و فعالیتهای سازمان امنیت ایران درخاورمیانه بوده واز ناحیه افسر امنیتی ایران سرچشمه میگیرد که به عنوان سفیرایران دربیروت انجام وظیفه میکند • باپیگیری سریع حوادث پس از پایان جنگ داخلی لبنان بخوبی ابعاد این فعالیتها روشن میشودکه بمنظور متلاشی کردن صفوف طائفه اسلامی شیعه درلبنان و ساختن شخصیتهای مذهبی خیالی وکمك به جمعیتهای خیریه و سازمانهای مخفی مخالف مجلس اعلای شیعه و شخص رئیس مجلس میباشد که از ابتدا ارتباط شیعیان لبنان راباد ستگاههای امنیتی ایران ردکرده است • بهمین جهت کلیه کمکهائی که به آسیب دیدگان وزیان دیدگان جنگ لبنان شده است تنهااز سوی مراجع تقلیدو علماء بزرگو -

مردان نیکوکاربوده است و بنظر میرسد که کمکهای دولت درنتیجه رهنمودهای جناب سفیر تنها صرف فعالیتهای سیاسی و نظامی مشکوک میشود حتی ساختمان بیمارستانی راکه قراربود دولت ایران به مجلس اعلای شیعه و شعیان لبنان اهداء کند توسط شخص ایشان الغاء گردید • واقعیت نقش این مرد درحوادث اردن و جلوگیری از هماهنگی ایران باکشورهای عربی درقطع نفت از اسرائیل درحین جنگ رمضان وبسیاری دیگراز فعالیتهای مشکوک او نزد رهبران عرب و هیاتهای دیپلماتیک و حتی نزد سفرای ایران درمنطقه کاملاً شناخته شده است •

حرکت المحرومین به مقامات مسئول لبنان و کلیه صاحب منصبان عرب درین منطقه هشدار میدهد و از آنها میخواهد که نسبت به اینگونه فعالیتهای پیگیری که توسط این شخص انجام میگیرد بیدار و آگاه باشند وازآنها میخواهد که تسلیم باج خواهی های سیاسی اونشوند زیرااوبه سبب مهارتهای گسترده و تجربیاتی که درطول ۱۵ سال به عنوان معاون وابسته نظامی درلبنان واردن و سپس به عنوان وابسته نظامی دراردن و سپس به عنوان سفیر ایران دراردن و لبنان کسب کرده است دراینگونه باج خواهی هاورزیده شده است•

خامساً : ترس بعضی از شخصیتهای لبنان از تیرگی روابط بین لبنان ویك دولت دوست درمنطقه لازم بود هنگامی ابرازگردد که اینگونه فعالیتها برضد طائفه شیعه یعنی یکی از ارکان اساسی لبنان انجام میگرفت و بعضی ازوسائل تبلیغاتی جبهه لبنان برضد مجلس و حرکت المحرومین و بخصوص برضد شخص امام موسی صدر بکارافتاده بود بدون آنکه هیچگونه قرارسیاسی دراین مورد صادرشود که این حمله جنون آمیز را که از جانب سازمان امنیت ایران الهام میگرفت توجیه نماید •

آیا این رهبران اظهارات خشونت آمیز خودرا برضد کشورهای عرب برادر وبخصوص برضد سوریه درسال ۷۵ و ۷٦ فراموش کرده اند یااینکه اینگونه اظهارات موجب تیرگی روابط لبنان نمیگردید ؟ ولی محفل یادبودیکه بخاطر دانشمند متفکر و مبارزی درکشور علم و اندیشه و مبارزه متعهدانه ودرکشورآزادی و سخن برگزارگردیده موجب برهم خوردن این روابطو مایه درد سرلبنان میشود ؟

علاوه سئوال بزرگتر اینست که چگونه برخی از سیاستمداران خودشان رابجای حکومت قانونی کشورقرارداده و خودرا سرپرست همه مناطق و همه طوایف مذهبی میدانند ؟

سادساً : نکته ای که نشان دهنده تمایل شدید به اینگونه اتهامات و محکوم ساختن‌های عجولانه و بی دلیل میباشد این سخن است که میخواهند درگیریهای خلیج را به لبنان بکشانندو این یکی از نتایج این مجلس بوده است• ما تفسیر این نکته را به مفسرین وامیگذاریم ولی به نوبت خود این سئوال رامطرح میکنیم که چه کسی میخواهد درگیریهای خلیج را به لبنان بکشاند ؟ طرف دیگر مبارزه بااعراب چه کسی است ؟ و طرفداران اوچه کسانی هستند ؟ درپایان مااحترام و سپاس خودرا نسبت به ملت ایران تاکید کرده و به روابط معنوی و فرهنگی ریشه داری که مارابامردم پاکمحترم ایران پیوند میدهد افتخارمیکنیم ولی ما هرگز به سازمان امنیت ایران اجازه نمیدهیم که درامورداخلی ما دخالت کند و یا طائفه شیعه به دستگاه سیاسی ایران درمنطقه مربوط گردد • همچنانکه مانمیتوانیم بیش از این تلاشهائی راکه بخاطر متلاشی کردن شیعه و کوششهای تحریك آمیز و تهدیداتی راکه سفیر ایران افسرسازمان امنیت باهمکاری برخی از مزدوران و منفعت پرستان انجام میدهد تحمل کنیم وبفضل خداوندما هنوز از آن اندازه آگاهی و قدرت برخوردارهستیم که از تسلیم شدن ذلیلانه وضدملی

ما جلوگیری بعمل آورد •

مافرصت صدور این اعلامیه رامغتنم شمرده و از کلیه نیروهای سیاسی فعال درلبنان میخواهیم که از مرحله تاثرات عاطفی و کشیدادن — انگیزه های جنگ و اثرپذیری از عوامل خارجی به مرحله سازندگی ملی و آمادگی برای حفظ منافع میهن و روی آوردن به آینده مهمی که درانتظار ماست و تنهابااراده ما ساخته میشود عبورنمایند •

اولین گام و پایه واساس کارنیازمند به یک موضعگیری یکپارچه دارد که مبتنی بر بینش مخلصانه و نسبت به گذشته وحال و آینده باشد ومسلماً کوششهای امروزماتامین کننده ثمرات فردابرای نسلهای آینده فرزندان ما خواهد بود •

۲۱ اوت ۱۹۷۷

بسم الله قاصم الجبارین

درروزیکشنبه ۱۴ اوت گذشته مجلس یادبودی به مناسبت چهلمین روزشهادت دکترشریعتی ، یکی از برجسته ترین متفکرین مبارزو مسلمان عصرما ، ازطرف ۱۹ سازمان انقلابی و جنبش آزادیبخش دربیروت برگزارشد . دراین محفل شخصیت والای دکترشریعتی به عنوان یکی از پایه گزاران اندیشه اصیل - درجنبش اسلامی ایران مورداستقبال گرم و پرشورملت مسلمان لبنان و نیروهای — مترقی جهان عرب قرارگرفت • برگزاری این مجلس انعکاس گسترده ای درمحافل فرهنگی و اسلامی منطقه داشت • طبیعی است که نیروهای ارتجاعی و مزدور که از گسترش جنبشهای مترقی اسلامی وحشت داشته وموجودیت و منافع خودرا درخطر میبینند همواره برای گل آلودکردن آب کوشش میکنند تاازاین راه بتوانند منافع نامقدس خودواربابانشان راتامین نمایند • ازآنجاکه دکترعلی شریعتی یکی از چهره های درخشان مبارزه بااستعمار ، صهیونیسم و امپریالیسم - جهانی بود ، بزرگداشت او موجب شدکه برخی از مرتجع ترین و مزدورترین — عناصر باآن به مخالفت برخیزند •

آنچه مایه تعجب است اینکه این سیاستمداران کهنه کارنیز مانند دیگر همپالکی هایشان از حربه زنگ زده اتهامات ناروااستفاده کرده و دکتر شریعتی را متهم به کمونیست بودن کرده اندتاازاین راه بتوانندباصطلاح چهره درخشان اورادراذهان ملت آلوده سازندوازبوجودآمدن جنبشهای اسلامی مشابه درمنطقه جلوگیری بعمل آورند • تلاشها و کوششهای اسلامی و ضد صهیونیستی دکترشریعتی آنچنان بارزوروشن بودکه حتی رژیم ایران این عامل سرسپرده امپریالیسم درمنطقه که همه مبارزین راستین مسلمان ایران رابه مارکسیست بودن متهم میکند نتوانست چنین اتهامی به اوبچسباند دکترشریعتی که درلندن بدست مزدوران سازمان امنیت ایران بشهادت رسید

بیش از ۱۵۰ جلد کتاب و جزوه درزمینه شناخت اندیشه های اصیل وانقلابی اسلام درمدتی کمتراز ۲۰ سال تالیف کرده است.

کامیل شمعون درمصاحبه اش بامطبوعات لبنان درتاریخ ۱۹ اوت ۷۷ درباره - دکترشریعتی چنین اظهارمیدارد :

" اوکمونیست است آنهم کمونیست دوآتشه! و اینگونه فعالیتها موجب ایجاد اختلاف درروابط ما با یک کشور دوست یعنی ایران میگردد " این جمله را کسی میگوید که بادرخواست دخالت ناوگان ششم آمریکا هزاران نفر ازمردم بیگناه رادرسال ۱۹۵۸ بقتل رسانیده و در۲ سال گذشته دستش را به خون ملت آلوده است . مامیپرسیم اگر بزرگداشت و تجلیل از مقام دکترشریعتی درروابط دولت لبنان و رژیم ایران تاثیر می گذارد این خود مطلبی است جداگانه و هیچگاه موجب آلوده ساختن چهره درخشانی چون دکترعلی شریعتی نمیگردد متهم ساختن چنین شخصیتی به کمونیست بودن خود دلیل مزدوری وورشکستگی گویندگان آن بوده و موجب جریحه دارشدن عواطف دوملت لبنان و ایران - میگردد .

سفارت ایران دربیروت هم اکنون بصورت لانه جاسوسی سازمان جاسوسی آمریکا و سازمانهای جاسوسی اسرائیل و ایران درآمده و منصور قدر این جاسوس - کثیف و شناخته شده سازمان جاسوسی آمریکاکه نقش عمده ای درکشتار اردن در سال ۱۹۷۰ داشت از طریق دخالت درامورداخلی لبنان و تحریک برخی ازعناصر مزدور و همکاری باآنها عامل اجرای توطئه اربابان خود بوده و تامین کننده منافع پلیدآنان میباشد . معروف است که شاه ٦ هزارقطعه اسلحه بحساب حزب دست راستی " احرار" لبنان از فرانسه خریداری کرده است .سلاحهائی که تنها سینه ملت برادر لبنان راشکافته است و دهها تن از عناصر حزب فاشیست

احرار درطول جنگ دوسال گذشته درایران آموزش نظامی دیده اند .

ملت مسلمان و متعهد لبنان باتجلیل از مقام دکترعلی شریعتی روابط عمیق خودرا باملت مسلمان ایران ابراز داشت و اثبات کرد که روابط دو ملت نیرومندتراز آنست که تبلیغات عناصر موزور سازمان امنیت ایران بتواند درآن تاثیری داشته باشد . موضع ارتجاعی و ضد اسلامی کامیل - شمعون و باندتروریست او و روابط مستقیم و شناخته شده اش باصهیونیسم و رژیم ایران برکسی پوشیده نیست و نیروهای مترقی بخوبی میدانند که اینگونه اتهامات تنها از دهان بلندگوهای رژیم ایران و فاحشه های جاسوسی بین المللی مانندکامیل شمعون بیرون میآید .

ماایمان داریم که اینگونه روابط نوکرمآبانه باامپریالیسم و رژیم ارتجاعی دست نشانده ایران دوام نخواهدیافت و روابط عمیق ملتهای مسلمان توطئه های کثیف امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع رادرهم خواهد شکست .

درود به روان شهیدای راه حق وآزادی

مرگ برامپریالیسم جهانی ونوکران آن درمنطقه

هرچه مستحکمتر باد اتحاد نیروهای مترقی

سراسر جهان

دوستان دکترشریعتی

۲۱ اوت ۱۹۷۷

جنازه دکتر شریعتی کنار ضریح حضرت زینب در شام

دسته گلهائی در مقبره دکتر شریعتی در سوریه

تشیع جنازه دکتر شریعتی در لندن

عکسی از تظاهرات ۱۰۰۰ نفری تشییع جنازه دکتر علی شریعتی که از روزنامه ایزوبر غرب لندن گرفته شده

شعارهای تظاهرکنندگان : الله اکبر ، لااله الاالله، خمینی خدا نگهدار تو ، شریعتی ملت عزادار تو ست .....

تشییع جنازه دکتر شریعتی در سوریه

«النهار»

الصدر: لا نقبل لبنان إلا بلد الوحدة والحريات

عرفات: الجنوب لن يكون جرحاً نازفاً

جانب من الحضور

الامام الصدر

السيد عرفات (اميل عيد)

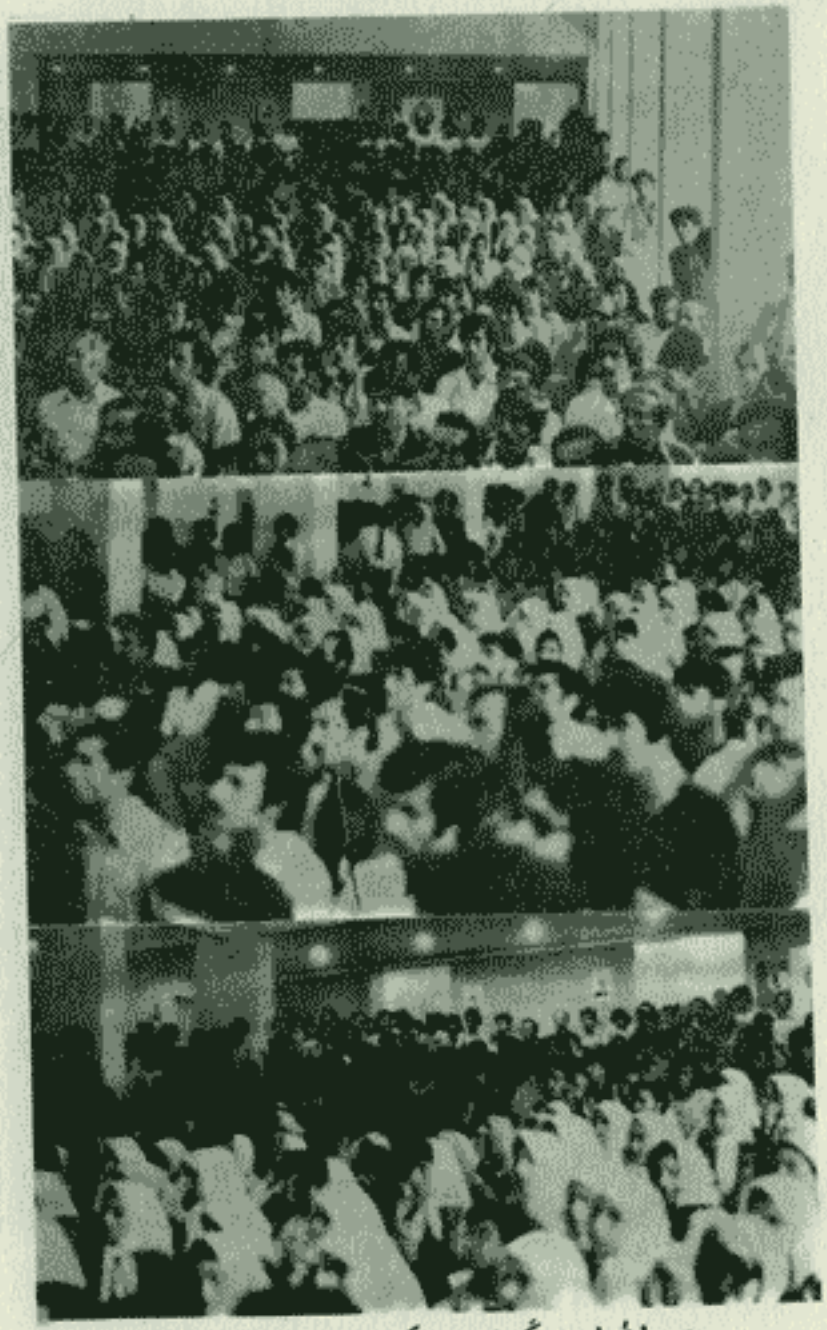

صحنه ای از بزرگداشت دکتر شهمتی در لبنان

صحنه ای از بزرگداشت دکتر شریعتی در لبنان